

## طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی

### Designing a Model to Restructure the Academic System in Educational Sciences, with Emphasis on the Employment Generation Approach

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۸/۱۱، تاریخ دریافت نسخه نهایی: ۹۷/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۰۳/۲۴

M.Tajari., (Ph.D.), E.Salehian., (Ph.D.),  
Y.Mehralzade., (Ph.D.), & M.Alizasesani,  
(Ph.D)

#### Abstract

One of the most important missions of the university and higher education can be preparing people for entry into the labor market, and the humanities in general and the education sciences, in particular, is no exception, while education in the field of employment seems to face challenges. In this regard, the present study was aimed to design a model for the reconstruction of the academic system in the educational sciences, with an emphasis on the employment-based approach. For this purpose, the researcher designed the semi-structured interview questions by reviewing the research literature and guiding the instructors, counselors, and some experts. In addition by using a purposeful approach and applying theoretical saturation criteria, semi-structured interviews were conducted with 34 faculty members and graduates of educational sciences. The collected data was analyzed in the ATLAS. tiTM software and finally 269 identifiers, 39 sub-categories and 6 main categories were identified. The results of data in three stages, open coding, axial coding, and selective coding, indicate the influence of several factors on the central research phenomenon that can be attributed to causal conditions (curriculum, mission orientation, teaching, and learning, need assessment, etc. ), strategies (removing legal barriers), decentralization, unionization, redesigning internships, etc. ), context (policy, space and educational opportunities, localization of discipline), intervening conditions (macro and national level and university) and consequences (macro-level and enterprise level).

**Keywords:** Higher Education, Education Sciences, Academic System, Employment

مجتبسی تجری<sup>۱</sup>، ابراهیم صالحی عمران<sup>۲</sup>، بداله مهرعلی زاده<sup>۳</sup> و محسن علیزاده ثانی<sup>۴</sup>

#### چکیده

یکی از مهمترین رسالت‌های دانشگاه و آموزش عالی می‌تواند آماده‌سازی افراد برای ورود به دنیای بازار کار باشد و علوم انسانی به صورت اعم و علوم تربیتی به صورت اخص از این قاعده مستثنی نیست، این در حالی است که به نظر می‌رسد علوم تربیتی در حوزه اشتغال با چالش‌هایی روبرو است. در این راستا پژوهش حاضر نیز با هدف طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال‌زایی صورت پذیرفت. پژوهش حاضر از نوع کیفی که با استفاده از راهبرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد صورت پذیرفته است، بدین منظور پژوهشگر با بررسی ادبیات پژوهش و هدایت اساتید راهنما، مشاور و برخی از متخصصین سوالات مصاحبه نیمه‌ساختار یافته را طراحی نمود، به علاوه با توجه به استفاده از رویکرد هدفمند و بکارگیری معیار اشباع نظری، مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با ۳۴ نفر از اعضای هیات علمی و فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی صورت پذیرفت و اطلاعات جمع‌آوری شده در نرم‌افزار ATLAS. ti<sup>TM</sup> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت ۲۶۹ شناسه، ۳۹ مقوله فرعی و ۶ مقوله اصلی شناسایی شد، نتایج داده‌های در طی سه مرحله، کدگذاری باز، محوری و کدگذاری انتخابی حاکی از تاثیر عوامل متعددی بر پدیده محوری پژوهش داشت که می‌توان به شرایط علی (برنامه‌درسی، ماموریت‌گرایی، آموزش و یادگیری، نیازسنجی و ...)، راهبردها (رفع موانع قانونی، تمرکز زدایی، تاسیس اتحادیه صنفی، باز طراحی دوره‌های کاروزی و ...)، زمینه (سیاست‌گذاری، فضا و امکانات آموزشی، بومی‌سازی رشته)، شرایط مداخله‌گر (سطح کلان و ملی و دانشگاه) و پیامدها (سطح کلان و سطح بنگاه)، اشاره نمود.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش عالی، علوم تربیتی، سیستم دانشگاهی، اشتغال‌زایی

۱. نویسنده مسئول: دکترای آموزش عالی به گرایش برنامه‌ریزی توسعه، دانشگاه مازندران

mojtaba.tajari@gmail.com

۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه مازندران

۳. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز

۴. استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران

## مقدمه

کار و اشتغال به‌عنوان یک چالش، به یکی از مشکلات اساسی دولت‌ها به ویژه ایران، تبدیل شده (یائو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸؛ الفلویان، ۱۳۸۹) و گسترش بی‌رویه آموزش‌عالی (یانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸)، رشد تقاضا (جیکوب، نیبوتر و یه<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸) و مقوله برابری فرصت‌ها (تایکلر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹)، به این چالش افزوده و موجب بیکاری (ژان، یانگ و لی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸) و ناهنجاری اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی گردیده است (محمودیان و رشوند، ۱۳۹۱). این در حالی است که یکی از اهداف توسعه هر کشوری اشتغال مؤثر نیروی انسانی (دانش‌آموختگان آموزش‌عالی) بوده (آقاپور، موحد محمدی، علم بیگی و شعبانعلی‌فمی، ۱۳۹۱) و آموزش‌عالی باید قادر به تربیت افراد آگاه، توانمند و متخصص باشد (وحیدشاهی، صالحی‌عمران، ابراهیم و ولی‌پور، ۱۳۹۱)، با این وجود، بر اساس آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران، تعداد دانشجویان موسسات آموزش‌عالی از ۳۳۹۱۸۵۲ در سال ۱۳۸۶ به ۴۸۰۲۷۲۱ در سال ۱۳۹۴، رسیده است که افزایش صرفاً کمی دانشجویان به افزایش روزافزون نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش‌عالی منجر شده است (نجف‌آبادی، محمدزاده، خسروی‌پور و یزدان‌پناه، ۱۳۹۳).

در واقع گسترش آموزش‌عالی و عدم هماهنگی بین فرصت‌های شغلی موجود در بخش‌های مختلف اقتصاد و به عبارتی کمبود تقاضا، موجب ایجاد پدیده بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شده (اسماعیل‌زاده و مرزی، ۱۳۹۷) و آموزش‌عالی نتوانسته است، دانش‌آموختگان خود را از افراد هم‌رده خود متمایز گرداند (آقاپور و همکاران، ۱۳۹۱) چرا که، نمی‌توان نقش بازار را در آموزش‌عالی نادیده گرفت، تا جایی که ون و گت<sup>۶</sup> (۱۹۸۹)، معتقد است با تمام سیاست‌های موجود در زمینه استقلال موسسات آموزش‌عالی، این موسسات به شدت تحت‌تأثیر مکانیسم‌های بازار<sup>۷</sup> هستند (میلنی، روبرا و توری<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲)، در این راستا و با گذر از اقتصاد صنعتی و ساختارمند فوردیسم<sup>۹</sup> و ورود به اقتصاد نرم‌افزارانه و دانشی پسا فوردیسم<sup>۱۰</sup> جوامع با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند (صالحی‌عمران و چهارباشلو، ۱۳۹۲)، و نیاز به تغییر و تحول

1. Yao
2. Yang
3. Jacob, Neubauer & Ye
4. Teichler
5. Xing, Yang & Li
6. Van Vught
7. Market mechanisms
8. Minellia, Reborra and Turri
9. Fordism
10. Post Fordism

طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی

اساسی در آموزش عالی احساس می شود (ایزدی، صالحی عمران و قربانی، ۱۳۹۰)، که حرکت آرام مدرسه و دانشگاه به سمت اشتغال فارغ التحصیلان به عنوان خط مقدم این تحول در نظر گرفته می شود (سالمن، ۲۰۱۶).

این تحولات با ظهور دو مفهوم ارزیابی کیفیت<sup>۱</sup> و اعتبارسنجی<sup>۲</sup>، که از دو نشست مهم در اروپا (بیانیه بولونیا<sup>۳</sup> و استراتژی لیسبون<sup>۴</sup> (که امروزه با نام اروپا ۲۰۲۰ معرفی شده است)) سرچشمه گرفته، رونق بیشتری یافته است. که هر دوی آنها با هدف بازسازی ساختار<sup>۵</sup> آموزش عالی در اروپا صورت پذیرفته اند. ناگفته نماند که، این تحولات موجب ایجاد یک نگرانی در خصوص آینده موسسات آموزش عالی شده است، چرا که این تغییرات توجه ویژه ای به کنار آمدن با قوانین بازار داشته و ممکن است آموزش عالی را از اهداف ابتدایی و آرمانی خویش دور کند (موسیلیم و تکسیرا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴).

با این وجود در حال حاضر آموزش عالی ناگزیر است توجه ویژه ای به مکانیزم های تامین بودجه<sup>۷</sup>، ترویج رقابت بین موسسات<sup>۸</sup>، تعامل نزدیک بین دانشگاه و صنعت<sup>۹</sup> داشته (ساکس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۸) و در ارتباط با کارایی و اثربخشی (بریر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۰؛ چاپمن و دوریس<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۸)، پاسخگو باشد (پرداختچی، بازرگان، آراسته و مظفری، ۱۳۹۱؛ چو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۲). این در حالی است که دولت ها نیز با اصلاحات نتولیبرالی<sup>۱۴</sup>، مدیریت گرایشی<sup>۱۵</sup>، مدیریت عمومی جدید<sup>۱۶</sup> (موسیلیم و تکسیرا، ۲۰۱۴)، مشتری مداری (گیلبوت<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۸)، و توسعه سیستم های بازار محور (شین و کیم<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۳)، در پی ارائه پاسخ های مناسب به ذی نفعان خویش هستند و به نظر می رسد

1. Quality assessment
2. Accreditation
3. Bologna Process
4. Lisbon Strategy
5. Construction of the European
6. Musselin & Teixeira
7. Funding mechanisms
8. Promoting competition among institutions
9. Closer interaction between universities
10. Szücs
11. Barrier
12. Chapman & Doris
13. Chou
14. Neo-liberal reforms
15. Managerialism
16. New Public Management
17. Guilbault
18. Shin and Kim

سیستم‌های مبتنی بر رفاه (دولت رفاه)<sup>۱</sup>، کارائی خویش را از دست داده‌اند (جانستون و مارکوچی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱) و رویکرد علامت‌دهی (سیگنال)<sup>۳</sup> (چان و لین، ۲۰۱۵)، جای آن را گرفته است. چرا که در حال حاضر مشروعیت و زنده ماندن دولت منوط به گسترش بازار در اقتصاد، سیاست، جامعه و حتی فرهنگ است (مندویولا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲).

در همین راستا است که در سطح بین‌المللی نیز مفاهیم بازسازی و تغییرات به وفور به چشم خورده و تحول در نظام آموزش عالی<sup>۵</sup> (یانگ، ۲۰۱۲)، مورد توجه همه کشورها از جمله؛ کره (شین و هارمن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹؛ لی و چانگ، ۲۰۱۵)؛ هندوستان (فاجار، نورکاهیو و سپتی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸)؛ ایتالیا (موسیلیم و تکسیرا، ۲۰۱۴)؛ قزاقستان (بازکورت<sup>۸</sup>، ۲۰۱۴)؛ ماسیرووا، تاتنیائوا، تاسپووا، زالالوا و بیسنبایوا<sup>۹</sup>، ۲۰۱۵؛ یسلموران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۴)؛ کشکولی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۴)؛ روسیه (کیوآی، ۲۰۱۶)؛ مالزی (ذاکرصالحی، ۱۳۹۱)؛ تایوان (چیانگ<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۳)؛ چن و لین، ۲۰۱۵) و چین (نایت، کوهنگ و شی<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۷)؛ چان و انگاک<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۱)؛ وانگ<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۲)؛ چان، ۲۰۱۵) قرار گرفته است، به‌عنوان مثال چین به تعادل بین عرضه و تقاضا<sup>۱۶</sup>، کیفیت، تنوع ارائه مدارک آموزش عالی، ارائه اطلاعات کافی به فراگیران در زمینه نیازهای شغلی و ارزیابی‌های خارجی و مستقل<sup>۱۷</sup> (وانگ و هانگ<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۱)؛ سان<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۱)؛ گزارش مایکاس<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۸)؛ شین و ما<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۴) روی آورده است. همچنین این تغییرات در کشورهای اروپایی حوزه‌های متعددی مانند بودجه<sup>۲۲</sup>، نظارت،

1. Welfare state's
2. Johnstone and Marcucci
3. Signalling approach
4. Mendiola
5. Restructuring and transformation of higher education
6. Shin and Harman
7. Fajar, Nurcahyo & Septi
8. Bozkurt
9. Massyrova, Tautenbaeva, Tussupova, Zhalalova & Bissenbayeva
10. Yeşilorman
11. Kashkooli
12. Chiang
13. Knight, Quheng & Shi
14. Chan and Ngok
15. Wang
16. Supply and demand
17. External and independent
18. Wang and Huang
19. Sun
20. Report of Mycos
21. Shi and Ma
22. Funding

طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی

تضمین کیفیت<sup>۱</sup>، سازمان دهی، مدیریت منابع انسانی را در بر گرفته (گرونیتزکا<sup>۲</sup> و آمارال، ۲۰۰۵)، تا بتوانند از طریق آن برخی معضلات و مشکلات موجود در این حوزه را برطرف کنند (نیوو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹؛ ماسن و استنسکار<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰) و توجه به مقوله بازار (تاکسیرا و دیل<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱)، در راس این تغییرات است.

در ایران نیز گسترش کمی دانشگاه‌ها موجب افزایش قابل ملاحظه دانش‌آموختگان شده (دین محمدی، نریمانی و قربانی، ۱۳۹۷)، و علوم انسانی نیز از این توسعه کمی بی‌نسیب نبوده، این در حالی است که علوم انسانی، به علت ماهیت تئوریک و نظری خود (عیوضی، ۱۳۸۴)، در برابر توسعه کمی آسیب‌پذیرتر بوده و این امر موجب شده با معضل اشتغال فراگیران بیش از پیش روبرو شود (پاریاد و معدن دارآرانی، ۱۳۸۷؛ عزیزی، ۱۳۸۷)، در این میان، نیز علوم تربیتی به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای (شهامت، آراسته، شهامت و روزگار، ۱۳۹۲)، و بخشی از علوم انسانی، نیز از این قاعده مستثنی نیست (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶؛ شرفی و مقدم، ۱۳۹۴؛ بیگدلی، کرامتی و بازرگان، ۱۳۹۱؛ الفلویان، ۱۳۸۹؛ سعیدی رضوانی، محمدحسین زاده و باغلی، ۱۳۸۹؛ پورکازمی، ۱۳۸۸)، و نیازمند توجه ویژه‌ای حداقل در حوزه بازار کار و اشتغال دارد، هر چند که نباید آموزش عالی را حتی در حوزه‌هایی که کاملاً با مسائل فنی و اشتغال درگیر هستند تنها به مساله اشتغال محدود نمود، چرا که در ترسیم اهداف نهایی آموزش به صورت عمومی و آموزش عالی، افق‌های دیگری نیز مدنظر بوده است، اما با این وجود به نظر می‌رسد حداقل از یک دیدگاه جزیره‌ای علوم تربیتی نیازمند توجه ویژه در حوزه اشتغال و اشتغال‌زایی است، به‌عنوان نمونه به‌رغم اینکه شکل‌گیری، مطالعات میان‌رشته‌ای (همانند علوم تربیتی)، با هدف ارتقاء وضعیت علوم انسانی باز می‌گردد، اما ملاک‌ها و شاخص‌های آن در زمینه طراحی، اجرا و ارزیابی، با وجود اهداف برنامه‌های توسعه‌ی چهارم و پنجم ارائه نشده است (قورچیان و مالکی، ۱۳۹۵).

در همین راستا در علوم تربیتی حوزه‌هایی همانند؛ شکاف مهارتی و نیازهای جدید بازار کار (عزیزی، ۱۳۸۳)؛ شایستگی‌های کانونی (جانعلی زاده، خاکزاد و مرادی، ۱۳۹۱)؛ خورشیدی و فرخی، ۱۳۹۱)، برنامه‌درسی (آقاپور و همکاران، ۱۳۹۱)؛ نقص در آموزش مبتنی بر بازار کار (شعبانعلی فمی، آقاپور و علم‌بیگی، ۱۳۸۹)؛ از بین رفتن توازن آموزش عالی و توسعه اقتصادی (عباسی تقی دیزج و فراستخواه، ۱۳۹۳)، آموزش قابلیت‌محور<sup>۶</sup> (شریفیان، جعفری، موسی‌پور و

1. Quality assurance
2. Gornitzka
3. Neave
4. Maassen and Stensaker
5. Teixeira & Dill
6. Competency based instruction

شریف، ۱۳۹۲)، بومی‌سازی (نوذری، ۱۳۹۱) مورد توجه قرار گرفته و بسیاری از پژوهش‌ها، بر تحول و بازسازی عمده در بسیاری از مولفه‌های تاثیرگذار که قابلیت‌های اشتغال‌پذیری و اشتغال‌زایی را در این رشته بهبود می‌بخشد، تاکید دارند (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳؛ حسینی، تبریزی و حسن‌زاده، ۱۳۹۳؛ ثمری، یمنی، صالحی‌عمران و گرائی‌نژاد، ۱۳۹۲؛ کارشکی، جعفری ثانی و ارفع بلوچی، ۱۳۹۲؛ بروجنی، نصر، نیکخواه، سپهری و امرابی، ۱۳۹۱؛ پرداختچی و همکاران، ۱۳۹۱؛ جانعلی‌زاده چوب‌بستی و همکاران، ۱۳۹۱؛ شهرکی‌پور، ۱۳۹۱؛ نوین‌فر، دردانی و کرمدوست، ۱۳۹۱؛ شادفر، لیاقتدار و شریف، ۱۳۹۰؛ صالحی‌عمران و یغموری، ۱۳۸۹؛ فراستخواه، ۱۳۸۹؛ انتظاری، ۱۳۸۸؛ جمالی‌زواره، نصر، آرمند و نیلی، ۱۳۸۸؛ هاشم‌نیا، عمادزاده، صمدی و ساکتی، ۱۳۸۸؛ مومنی‌مهموئی، شریعتمداری و نادری، ۱۳۸۷؛ حسین‌پور، شریعتمداری، نادری و سیف‌نراقی، ۱۳۸۶؛ جهانی، ۱۳۸۴؛ گویا، ۱۳۸۴؛ عارفی، ۱۳۸۳؛ ملامحمدی، ۱۳۷۹؛ مارتینی و فابریس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷؛ سالم، ۲۰۱۶؛ چان و لین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵؛ سیلوا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۶؛ لی و چانگ، ۲۰۱۴؛ شیلر و لیفندر، ۲۰۰۷؛ مورلند<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ واتانابه و کریز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴).

به علاوه با توجه به مستندات ارائه شده به نظر می‌رسد، علوم‌تربیتی برای مقابله با این موضوع نیازمند بازنگری در برخی از مهمترین و تاثیرگذارترین مولفه‌های خویش بوده و اتخاذ رویکرد مناسب در این بازسازی و بازنگری ضروری به نظر می‌رسد که استفاده از نظریه سیستم‌ها و در نظر گرفتن دانشگاه به‌عنوان یک سیستم و بازسازی آن مورد تایید بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفته است، چرا که اعتقاد بر این است که دانشگاه به‌عنوان، یک سیستم پیچیده (برامج<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶)، در معرض نیروهای بیرونی و درونی (راولی، لوهان و دولنس، ۱۳۸۲؛ نجف‌بیگی، ۱۳۸۸)، قرار داشته و دیدگاه سیستمی نگاهی همه‌جانبه‌نگر است (دافی و ریچلوت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰)، که سیستم را در تعامل و یکپارچگی اجزاء می‌بیند و نه عمل هر یک از اجزاء به‌طور مستقل (شریف و منصف، ۱۳۹۰: ۱۶؛ ساچاوز<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷).

به همین دلیل، زمانی که از سیستم دانشگاهی و بررسی آن صحبت می‌شود، شناسایی نیروهای مؤثر در این سیستم ضروری می‌نماید (یمنی، ۱۳۹۱)، به علاوه زمانی که سعی می‌شود

1. Martini & Fabbris
2. Chana & Lin
3. Silva
4. Moreland
5. Watanabe & Keeres
6. Bromage
7. Duffy & Reigeluth
8. Sá-Chaves

طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی

تغییر و تحولی در حوزه دانشگاهی مورد تاکید قرار گیرد، لازم است توجه ویژه‌ای به تمام ابعاد تاثیرگذار بر سیستم دانشگاهی شده، به ویژه که مبحث مورد نظر حوزه اشتغال بوده که متغیرهای متعدد درون و برون دانشگاهی می‌توانند بر آن اثرگذارند، به همین دلیل و بر اساس نظریه سیستم‌های پیچیده هر سیستم را از دو بعد می‌توان تجزیه و تحلیل کرد، بعد اول به کارکرد (رفتار) (تایکلر، ۲۰۱۵) و فعالیت هر سیستم و بعد دوم به وضع ساختاری (تایکلر، ۲۰۰۶) سیستم مربوط می‌شود. روشن ساختن طرز کارکردی (کارکرد)، یک سیستم، یعنی یافتن پدیده‌هایی (تغییراتی) که در آن سیستم، در زمان به وجود می‌آیند یا زنجیره تغییراتی که در یک یا چند ویژگی ساختاری سیستم صورت می‌پذیرد، از سوی دیگر ساختار و تبیین ساختاری یک سیستم یعنی تعیین نحوه قرار گرفتن اجزاء و عوامل آن در مکان که حدود سیستم، عوامل سازنده سیستم، ذخایر و شبکه‌های ارتباطات را در بر می‌گیرد. شناسایی ساختار سیستم مورد بررسی به‌عنوان یک چیز ثابت که چارچوب آن موضوع را تشکیل می‌دهد، مدنظر قرار می‌گیرد و تبیین ساختاری، عناصر مختلف دانشگاه را بر حسب پیامدهای پیش‌بینی‌پذیر تبیین می‌کند (کیدوری، یمنی، مهرمحمدی و ابوالقاسمی، ۱۳۹۱)، این در حالی است که، سیستم دانشگاهی جزئی از سیستم آموزش عالی و سیستم اجتماعی است (یمنی، ۱۳۸۰)، و برای شناخت دقیق آن توجه کافی به ساختار و کارکرد آن ضروری جلوه می‌نماید (پورعزت، خواستار، عطّار، فراحی و نرگسیان، ۱۳۸۷)

در این راستا؛ دافی و ریجلوث (۲۰۱۰)، چهار پارادایم را برای تغییر سیستماتیک و برای دگرگونی لازم می‌دانند که این پارادایم‌ها شامل؛ ۱- تغییر هسته سیستم و پشتیبانی از فرآیندهای کاری؛ ۲- تغییر سیستم داخلی و زیر ساخت اجتماعی؛ ۳- تغییر ارتباط سیستم با محیط خارجی و ۴- تغییر فرآیندهای سیستم برای ایجاد یک دگرگونی است، در واقع دیدگاه‌ها و اختلاف دیدگاه‌های فراوانی در حوزه تحولات ساختاری، کارکردی و کمی مشاهده می‌شود (هانوشک و وئسن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱؛ دی مور<sup>۳</sup>، ۱۹۷۹؛ کویک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ میک، گودجیبر، کیواین، راین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶)، که ناشی از ذات پیچیده سیستم‌ها است (کیدوری و همکاران، ۱۳۹۱)، به‌عنوان مثال در حوزه ساختاری آموزش عالی مسائلی همانند؛ ۱- تا چه قدر ناهمگنی و یا همگنی<sup>۶</sup> در آموزش-

1. Transform the system's core and support work processes
2. Hanushek & Woessmann
3. De Moor
4. Kyvik
5. Meek, Goedegebuure, Kivinen & Rinne
6. Heterogeneity or homogeneity

عالی ترجیح داده می شود، ۲- تا چه حد به تعاملات بین المللی و یا تعاملات درون نهادی<sup>۱</sup> توجه شود، ۳- پر رنگ کردن تفاوتها یا در نظر گرفتن ویژگیهای مشترک؛ ۴- توجه به عناصر رسمی یا تاکید بر عناصر غیر رسمی؛ ۵- توجه به ابعاد عمودی (کیفیت، شهرت و...) و یا رتبه بندی بر اساس ابعاد افقی (مانند برنامه درسی) (تاپکالر، ۲۰۰۶)، مطرح می گردد.

حال به نظر می رسد سیستم دانشگاهی (کارکردی و ساختاری)، نتوانسته است بسترهای لازم برای توسعه اشتغال در بین فارغ التحصیلان علوم انسانی و به ویژه رشته علوم تربیتی (موضوع پژوهش حاضر)، را فراهم کند، چرا که در ابعاد کارکردی مانند؛ ۱- توسعه تفکر اشتغال را ۲- افزایش بلوغ رشته ای و در ابعاد ساختاری مانند ۱- توجه به نهادسازی ۲- بازطراحی ساختار برنامه درسی، نتوانسته اقدامات مناسبی را انجام داده و نیازهای واقعی جامعه را درک کند و همین امر موجب افزایش بیکاری و عدم اشتغال بسیاری از فارغ التحصیلان علوم انسانی و به ویژه رشته علوم تربیتی شده است، در واقع از یک دیدگاه سیستمی ابعاد کارکردی و ساختاری آموزش عالی نتوانسته است به بهترین نحو عمل کند، به همین دلیل این پژوهش در پی آن است با بررسی و تعیین ابعاد ساختاری و کارکردی سیستم دانشگاهی در حوزه علوم تربیتی و اعمال تغییرات مناسب نشان دهند چه الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی (علوم تربیتی) در حوزه اشتغال زایی می تواند مطرح شود؟ تا بتواند بر خلاءهای موجود در حوزه کار و اشتغال در رشته علوم تربیتی غلبه کند؟ چرا که در صورت ارائه چنین الگویی شاید بتوان، گامی بلند در تحول بنیادین رشته علوم تربیتی در حوزه کار و اشتغال برداشت و راه را برای انجام پژوهش های مرتبط و درخور در این حوزه گشود.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر، کیفی و داده بنیاد که هدف آن ارائه یک چارچوب تحلیلی انتزاعی از یک فرایند است. مشارکت کنندگان در این مطالعه باید همگی فرایند مدنظر را تجربه کرده باشند، و تدوین این نظریه می تواند در توضیح شیوه عمل آنها مفید بوده و یا چهارچوبی برای پژوهش های آتی فراهم آورد (کرسول، ۱۳۹۴). نکته بسیار مهم در اینجا این است که این گونه خلق نظریه «قفسه- ای و کتابخانه ای» نیست، بلکه بر اساس داده های مشارکت کنندگانی ایجاد شده که آن فرایند را تجربه کرده باشند و یا مبتنی بر آنهاست. بر این اساس، نظریه داده بنیاد، یک طرح پژوهش کیفی است که در آن پژوهشگر نوعی تبیین کلی (یا نظریه) از یک فرایند، اقدام، یا تعامل ارائه می دهد که حاصل دیدگاه های تعداد زیادی از مشارکت کنندگان است و در طی فرایند کدگذاری

### 1. Inter-institutionally or intra-institutionally



طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی باز، محوری و گزینشی و در قالب پارادایم متشکل از شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، شرایط میانجی، پدیده محوری، پیامدها و راهبردها انجام می‌پذیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۵).

### جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل، کلیه اساتید و فارغ‌التحصیلان حوزه علوم تربیتی بودند که در زمینه پژوهش و مولفه‌های مورد بحث از اشراف نسبتاً کاملی برخوردار بودند که در این حوزه تاکید زیادی بر مطالعه‌ی خود داشتند، اما با توجه به شیوه نمونه‌گیری (گلوله برفی) از برخی از مطلعین دیگری که در سایر شهرها همانند، مشهد، یزد و شیراز و قم حضور داشتند نیز استفاده شد، در این خصوص باید بیان نمود که محقق سعی نموده است با اشراف کامل و با استفاده از ظرفیت حداکثری تمام پژوهشگرانی که می‌توانستند در این حوزه و همچنین در خصوص نمونه پژوهشی به محقق یاری برسانند استفاده کند و از آنجا که هدف عمده و اصلی پژوهش، اکتشاف و تهیه یک الگوی مناسب در راستا اهداف پژوهش است، توجه به منطق تکرار<sup>۱</sup> به‌عنوان راهکاری مناسب و مهم در نمونه‌گیری در بخش کیفی پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

در این مفهوم، تعمیم از یک مورد به موارد مشابه یا به نظریه صورت می‌پذیرد نه جامعه. مبتنی بر این اصل، پژوهشگر باید به انتخاب مواردی دست بزند که به او در کشف الگو کمک کند. در نتیجه انتخاب روش نمونه‌گیری هدفمند (نظری)<sup>۲</sup> بوده که از دو نوع آن با نام‌های حداکثر تنوع (ناهمگون)<sup>۳</sup> و گلوله‌برفی (زنجیره‌ای یا شبکه‌ای)<sup>۴</sup> استفاده شده است (کرسول، ۱۳۹۱). در حقیقت نمونه‌گیری این پژوهش به صورت غیر احتمالی انجام شده است، زیرا ویژگی محدود کننده افراد منتخب ایجاد می‌کرد که در حوزه موضوع پژوهش صاحب‌نظر باشند، لذا استفاده از روش‌های تصادفی و مبتنی بر احتمال امکان‌پذیر نبوده است. از بین ۱۴ راهبرد متفاوت نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۰) راهبردهای نمونه‌گیری همگن و زنجیره‌ای (گلوله برفی) استفاده شده است. در این راستا، نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۳۴ نفر از مطلعین این حوزه (۲۰ هیات‌علمی (شامل ۲ نفر از دانشگاه فردوسی، ۴ نفر از دانشگاه مازندران، ۳ نفر از موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی، ۲ نفر دانشگاه فنی و حرفه‌ای تهران) با رشته مرتبط)، ۴ نفر از دانشگاه شهید بهشتی، یک نفر از دانشگاه اراک و دو نفر از دانشگاه قم،

- 
1. Replication Logic
  2. Purposeful or Theoretical Sampling
  3. Maximum Variation Sampling
  4. Snowball/Chain/Network Sampling

یک نفر از دانشگاه آزاد تهران و یک نفر از دانشگاه لرستان و ۱۴ فارغ‌التحصیل رشته علوم تربیتی)، می‌باشد.

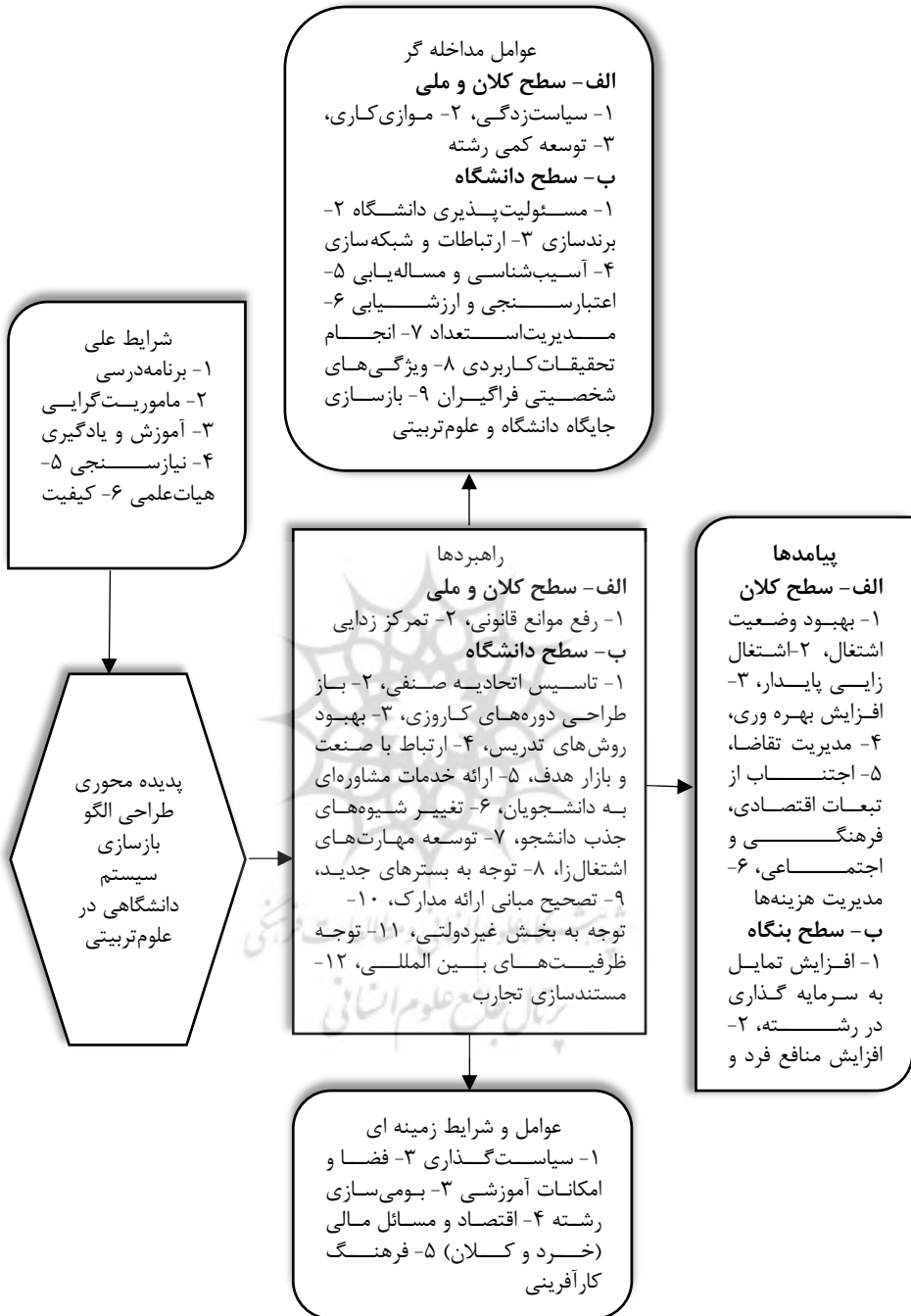
همچنین، ابزار پژوهش حاضر مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ای با هدف اکتشاف الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی با تاکید بر رویکرد اشتغال‌زایی بود که در این راستا ۴ سوال کلی طراحی و ارائه گردید، به علاوه برای حصول اطمینان از روایی بخش کیفی (پاسخ‌های مصاحبه شونده‌گان به سوالات مصاحبه) پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقت بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر مشارکت کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش، اقدامات زیر صورت گرفت:

۱- بازبینی توسط اعضاء<sup>۱</sup>: مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها، مقوله‌های به دست آمده را ملاحظه و بازبینی کردند و نظر خود را در ارتباط با آنها ابراز کردند. ۲- پایایی بین کدگذاران (پایایی ارزیاب‌ها)<sup>۲</sup>: در این راستا، پژوهشگر با ارائه آموزش و فنون لازم و استاندارد شده برای کدگذاری مصاحبه‌ها به همکار پژوهش (کدگذار)، از وی درخواست شد که هم زمان با پژوهشگر به کدگذاری مصاحبه‌های تحقیق بپردازد. تعداد کل کدها که محقق و همکار تحقیق ثبت کرده‌اند، برابر با ۵۴۹ و تعداد کل توافقات بین این کدها ۲۲۳ است. پایایی بین کدگذاران برای تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق، با استفاده از فرمول مصاحبه پایایی بین کدگذاری‌ها (تعداد کل توافقات  $\times 2 \div$  تعداد کل کدها ضربدر ۱۰۰) برابر با ۰/۸۱ است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از شصت درصد (وایل، ۱۹۹۶) است، می‌توان گفت که درصد پایایی بین کدگذاران تایید می‌شود.

### تحلیل داده‌های کیفی پژوهش

همانطور که بیان شد بر اساس رویکرد سیستماتیک نظریه داده بنیاد، متن منابع اطلاعاتی پژوهش، شامل متن مصاحبه‌ها با استفاده نرم‌افزار Atlas Ti، و به وسیله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تحلیل شد و بر اساس مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی با تاکید بر رویکرد اشتغال‌زایی تدوین گردید. نهایتاً مقوله‌های آشکار شده در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادیمی با روابطی که بین آنها وجود دارد، به صورت شرایط علی (۶ مقوله)، مقوله اصلی، شرایط زمینه‌ای (۵ مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۱۲ مقوله)، راهبردها (۱۴ مقوله)، و پیامد (۲ مقوله)، جای گرفتند (شکل ۱).

1. Member Checking
2. Inter-rater reliability



شکل ۱: الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تأکید بر رویکرد اشتغال‌زایی

### پدیده محوری؛ الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

تجربه مشارکت کنندگان پژوهش نشان داد که محور اصلی پدیده بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی با تاکید بر رویکرد اشتغال‌زایی است، این در حالی است که، بسیاری از پژوهشگران در مصاحبه‌های خود مدعی این موضوع بودند که، امروزه در حوزه علوم تربیتی به صورت جزء و در آموزش عالی به صورت کل آنچه که مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است مقوله اشتغال است، چرا که هم بر اساس شواهد موجود و هم اظهار نظر صاحب‌نظران و فارغ‌التحصیلان، آموزش عالی نیازمند تحولات شگرفی در این زمینه است. همچنین با انتخاب بازسازی سیستم دانشگاه در علوم تربیتی با رویکرد اشتغال‌زایی، می‌توان تبیین منطقی و سازگار از رابطه میان مقوله‌ها ارائه کرد که باعث می‌شود، نظریه تدوین شده از نظر عمق و تبیین پدیده مورد مطالعه قوی‌تر باشد (بازرگان، ۱۳۸۷)

### شرایط علی؛ الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

شرایط عواملی که باعث بهبود وضعیت اشتغال در حوزه علوم تربیتی می‌شوند، مقوله‌های علی مدلی را تشکیل می‌دهند، در حقیقت شرایط عبارت از مجموعه رویدادها و حوادثی است که موقعیت‌ها و مسائل و امور مربوط به پدیده را خلق می‌کنند و تا حد معین چگونگی و چرایی پاسخ افراد و گروه‌ها را نسبت به آن شرایط توضیح می‌دهند. شرایط تحت‌عناوین موجبات علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای مطرح می‌شوند (استراس و کوربین، ۱۳۸۹)، شرایط علی شامل عواملی است که به گونه مستقیم به پدیده اصلی پژوهش مربوط می‌شود، در تحلیل مصاحبه‌های انجام شده شرایط و عواملی که در تدوین الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی موثرند مشخص شد، در این راستا، ۶ مقوله در شرایط علی قرار می‌گیرند که، عبارتند از: ۱- برنامه‌درسی ۲- ماموریت‌گرایی ۳- آموزش و یادگیری ۴- نیازسنجی ۵- هیات‌علمی ۶- کیفیت، در جدول ۲، شرایط علی و کدهای باز مربوط به آن مورد آمده است.

جدول ۲: شرایط علی الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

شرایط علی	کدهای باز
برنامه درسی	۱- برنامه‌درسی مهارتی، ۲- طراحی برنامه‌درسی موقعیت محور، ۳- هماهنگی بین برنامه‌درسی قصد شده و اجرا شده، ۴- توسعه سازگاری درونی برنامه‌درسی، ۵- تهیه برنامه‌درسی که حاصل از تعامل ذی نفعان باشد، ۶- حذف برنامه‌درسی زائد، ۷- توجه به کارآمدی برنامه‌درسی، ۸- برطرف کردن ضعف‌های برنامه‌درسی، ۹- به‌روز رسانی محتوا و مرتبط کردن با دنیای واقعی، ۱۰- دوری از پراکنده‌گویی در برنامه‌درسی، ۱۱- جلوگیری از تکرار محتوای یکسان در همه پایه‌ها، ۱۲- توسعه برنامه‌درسی قابلیت محور

شرایط علی	کدهای باز
ماموریت‌گرایی	۱- حرکت به سمت بازار دانش محور، ۲- توسعه یک جریان دانشی در این رشته، ۳- توجه به ماهیت عناصر تاثیرگذار در آموزش عالی، ۴- توجه به کارکردهای واقعی علوم تربیتی، ۵- جلوگیری از غالب شدن رویکرد اجرایی بر دانشگاه، ۶- تغییر در رویکردهای دانشگاه در مواجهه با جامعه کنونی، ۷- توجه به مباحث تخصصی رشته
آموزش و یادگیری	۱- مبارزه با شبه‌یادگیری در دانشگاه، ۲- توسعه یادگیری خدمت محور، ۳- ایجاد بنگاه‌های استیناف، ۴- تغییر آموزش غیر واقعی و مبتنی بر حفظیات، ۵- حذف آموزش‌های تئوری، ۶- حرکت از دانش نظری به دانش علوم کاربردی، ۷- جلوگیری از انتقال صرف دانش و اطلاعات غیر کاربردی
نیازسنجی	۱- شناسایی مناسب بسترهای اشتغال، ۲- تدوین برنامه‌درسی بر اساس نیازها، ۳- رویکرد تحلیلی به نیازهای بازار، ۴- توجه به نیازهای واقعی جامعه و دانشجو، ۵- توسعه حکم رانی خوب
هیات علمی	۱- پر رنگ تر شدن جایگاه اساتید در رشته، ۲- درگیری بیشتر اساتید در تربیت دانشجویان کارآمد، ۳- ارتباط بیشتر اساتید با بیرون، ۴- نزدیک شدن اساتید برجسته با سطوح پایین آموزشی در دانشگاه، ۵- وجود اساتید کارآفرین، ۶- بهبود کیفیت اساتید، ۷- طراحی یک رویکرد مناسب برای هدایت اساتید، ۸- وجود دغدغه در اساتید ۹- جلوگیری از استفاده ابزاری از دانشجو، ۱۰- حرکت از شغل محوری به سمت حرفه‌محوری، ۱۱- ایجاد سازوکار مناسب در حوزه ارتقاء اساتید با توجه رویکرد اشتغال زایی
کیفیت	۱- توسعه و تاکید بر نظام تضمین کیفیت در دانشگاه، ۲- کار بر روی کیفیت فارغ‌التحصیلان، ۳- همسان‌سازی کیفیت دانشگاه‌ها، ۴- توجه به کیفیت به جای تاکید بر کمیت

### شرایط زمینه‌ای؛ الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

از نظر اشتراوس و کوربین (۱۳۸۹)، زمینه مجموعه خاصی از شرایط است که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال و مسائلی را پدید آورند که اشخاص با عمل و تعاملات خاص به آنها پاسخ می‌دهند. در واقع شرایط زمینه‌ای، شرایطی است که راهبردها و اقدامات تحت آن به اداره پدیده می‌پردازد، در این راستا در پژوهش حاضر شرایط زمینه‌ای، عبارتند از: ۱- سیاست‌گذاری ۳- فضا و امکانات آموزشی ۳- بومی‌سازی رشته ۴- اقتصاد و مسائل مالی (خرد و کلان) ۵- فرهنگ کارآفرینی، همچنین در جدول ۳، شرایط زمینه‌ای و کدهای باز مربوط به آن مورد آمده است.

جدول ۳: شرایط زمینه‌های الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

عوامل و یا شرایط زمینه‌ای	کدهای باز
سیاست‌گذاری	۱- تغییر و بروز رسانی اسناد بالادستی، ۲- تغییر نگاه آموزش‌عالی به آموزش و پرورش و بالعکس، ۳- ایجاد هماهنگی بین دانشگاه و سیستم‌های برون دانشگاهی، ۴- اجماع در خصوص معنای آموزش در این رشته، ۵- توجه به ذات پیچیده علوم تربیتی، ۶- تعیین دقیق اهداف رشته، ۷- توجه به رویکرد سیستمی، ۸- مشخص کردن بازار هدف این رشته، ۹- بازسازی فرآیند تحصیل در این رشته، ۱۰- هماهنگی آموزش‌عالی و آموزش و پرورش، ۱۱- ایجاد انسجام در این رشته، ۱۲- تشکیل کارگروه اشتغال‌زایی، ۱۳- تغییر نگاه ابزاری به رشته علوم تربیتی، ۱۴- ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری‌ها، ۱۵- دوری از معیارها و استانداردهای دورغین ماندای اس آی، ۱۶- انجام تحقیقات نظری، بنیادی، ۱۷- نظریه‌پردازی در رشته، ۱۸- شیوه‌های نادرست بازنگری در رشته، ۱۹- از بین رفتن اهمیت و جایگاه دوره کارشناسی در علوم تربیتی، ۲۰- توجه به رویکردهای جدید برنامه‌ریزی، ۲۱- ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری‌ها، ۲۲- انجام اصلاحات نرم، ۲۳- عدم توجه تنها به تغییرات ظاهری، ۲۴- بازسازی هویت فردی این رشته، ۲۵- توجه به جنبش‌های دانشگاهی، ۲۶- تاکید بر الگوی برنامه‌ریزی بر مبنای انگیزه، ۲۷- تخصصی کردن رشته به جای حرکت به سمت میان‌رشته‌ای محض، ۲۸- توجه به آمایش آموزش‌عالی در این رشته
فضا و امکانات آموزشی	۱- توسعه فضا و امکانات آموزشی، ۲- توجه به بسترهای آزمایشگاهی و فراهم کردن بستری برای آزمایش آنچه آموخته شده، ۳- توجه به امکانات و بسترها، ۴- فراهم کردن زیر ساخت‌ها
بومی‌سازی	۱- بومی‌سازی رشته متناسب با نیازها و بسترها، ۳- حل معضل وارداتی بودن این رشته
اقتصاد و مسائل مالی (خرد و کلان)	۱- تاکید بر رویکرد برنامه‌ریزی نیروی انسانی اقتصادی، ۲- تاثیر رشته از شرایط نامناسب کشور، ۳- تغییر در فضای کسب و کار کشور، ۴- فاصله گرفتن از بنگاه داری، ۵- مدیریت هزینه‌های آموزش‌عالی، ۶- توجه به الگوهای کسب و کار، ۷- حل مشکلات مالی فارغ‌الحصیلان به طروق مختلف، ۸- ایجاد فرهنگ سرمایه‌گذاری و تجاری‌سازی در رشته
توسعه فرهنگ کارآفرینی	۱- تشکیل واحدهای کارآفرینی، ۲- توجه به کارآفرینی اجتماعی، ۳- توجه به مهارت‌های کارآفرینی، ۴- تغییر فرهنگ تمایل به داشتن کار دولتی، ۵- درگیر شدن مراکز رشد، ۶- توسعه الگوی دانشگاه کارآفرین، ۷- ایجاد وجود گفتمان اشتغال‌زایی و اشتغال‌پذیری، ۸- توسعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه و دانشجویان

### عوامل مداخله‌گر؛ الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

عوامل مداخله‌گر، عواملی هستند که الگوی نظری پژوهش را به صورت غیر مستقیم مورد تاثیر قرار می‌دهند (استراس و کوربین، ۱۳۸۹)، در واقع عوامل مداخله‌گر شرایط وسیع و عامی هستند که به‌عنوان تسهیل‌گر و یا محدود کننده راهبردها عمل می‌کنند، در این راستا، ۱۲ مقوله در

طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی

شرایط مداخله گر قرار می‌گیرند که، عبارتند از: ۱- سیاست‌زدگی ۲- موازی‌کاری ۳- توسعه کمی رشته ۴- مسئولیت‌پذیری دانشگاه ۵- برندسازی ۶- ارتباطات و شبکه‌سازی ۷- آسیب‌شناسی و مساله‌یابی ۸- اعتبارسنجی و ارزشیابی ۹- مدیریت‌استعداد ۱۰- انجام تحقیقات کاربردی ۱۱- ویژگی‌های شخصیتی فراگیران ۱۲- بازسازی جایگاه دانشگاه و علوم تربیتی، همچنین در جدول ۴، شرایط زمینه‌ای و کدهای باز مربوط به آن مورد آمده است.

جدول ۴: عوامل مداخله‌گر الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

عوامل مداخله‌گر	کدهای باز
دوری از سیاست زدگی	۱- مبارزه با سیاست‌زدگی، ۲- جلوگیری از رانت‌خواری و لابی‌گری، ۳- توجه به استقلال دانشگاهی، ۴- تغییر دیدگاه حاکمیتی در این رشته، ۵- کاهش بازی‌ها و جنگ‌های سیاسی، ۶- کاهش وابستگی دانشگاه به نهادهای بیرون، ۷- گریز از تابوها
جلوگیری از توسعه کمی رشته	۱- جلوگیری از پول‌پرستی دانشگاه‌ها، ۲- جلوگیری از بنگاه‌داری دانشگاه، ۳- جلوگیری از آموزش عالی توده‌ای، ۴- تغییر در چرخه تربیت دانشجو و استاد و دانشگاه، ۵- تغییر دستورالعمل گسترش این رشته در کشور، ۶- تغییر در سیاست‌گذاری در حوزه عقب انداختن ورود افراد به بازار کار، ۷- ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا، ۸- پاسخ درست به تقاضای اجتماعی
افزایش مسئولیت‌پذیری دانشگاه	۱- وجود تعدد نهادهای سیاست‌گذار در این حوزه، ۲- توسعه پاسخگویی دانشگاه، ۳- ایجاد احساس مسئولیت در دانشگاه نسبت به آینده فراگیران، ۴- تغییر تصور در خصوص کارکرد اصلی و نهایی دانشگاه، ۵- حل مشکل مسئولیت‌اخلاقی دانشگاه، ۶- قبول پرداخت هزینه برای تغییرات مثبت، ۷- نقش دانشگاه برای شناساندن ظرفیت خود و فارغ‌التحصیلانش به جامعه هدف، ۸- پیگیری در خصوص وضعیت فارغ‌التحصیلان
منع موازی‌کاری	۱- وجود تعدد نهادهای سیاست‌گذار در این حوزه، ۲- جلوگیری از موازی‌کاری مانند دانشگاه فرهنگیان، ۳- جمع‌بندی متولیان این رشته و جلوگیری از بروز ناهماهنگی
برند سازی	۱- توجه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در این رشته، ۲- سطح‌بندی دانشجویان بر اساس دانشگاه، ۳- برندسازی دانشگاه در حوزه علوم تربیتی، ۴- تغییر در نظام‌های رتبه بندی در رشته
اعتبارسنجی و ارزشیابی	۱- ایجاد نظام ارزیابی همگانی، ۲- توجه به ارزشیابی پاسخگو محور، ۳- اعتبارسنجی مدارک قبل از ورود به دوره بعدی تحصیلی، ۴- بهبود نظارت و ارزیابی در همه حوزه‌ها، ۵- تهیه استانداردهای ارزیابی، ۶- توسعه ارزشیابی پیگیری، ۷- افزایش نظارت جامعه بازار کار هدف بر دانشگاه، ۸- تغییر در مدل‌های ارزیابی
انجام تحقیقات کاربردی	۱- تغییر در رویکرد پایان‌نامه نویسی، ۲- انجام و حمایت از پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در زمینه اشتغال، ۳- جلوگیری از واردات مساله و صادرات مقاله، ۴- استفاده از نتایج پژوهش‌ها در عمل، ۵- نظام‌شدن پژوهش‌ها، ۶- تغییر فلسفه پایان نویسی، ۷- ارائه تحقیقات مبتنی بر نیاز

عوامل مداخله‌گر	کدهای باز
آسیب‌شناسی و مساله‌یابی	۱- توجه به مساله‌یابی، ۲- ایجاد رویکرد خودانتقادی دانشگاه در این رشته، ۳- تشکیل کارگروه آسیب‌شناسی اشتغال‌زایی، ۴- تدوین دروس آزاد متناسب با برخی مشکلات روز نظام آموزشی
مدیریت استعداد	۱- ارائه فرصت‌های مناسب برای دانشجویان برتر، ۲- توجه به استعدادیابی در این رشته، ۳- جذب دانشجویان مستعد و علاقه‌مند، ۴- استفاده از دارایی‌های دانشی (دانشجویان برتر)
ویژگی‌های شخصیتی مهم دانشجویان	۱- مسئولیت‌پذیری فردی در خصوص بیکاری، ۲- وجود دانشجویی مطالبه‌گر، ۳- توسعه توانایی رزومه‌نویسی، ۴- توسعه تلاش‌های شخصی، ۵- توانایی استفاده از تکنولوژی روز دنیا، ۶- گسترش آگاهی‌های تجاری دانشجویان
ارتباطات و شبکه‌سازی	۱- ایجاد تعاملات سازنده بین فارغ‌التحصیلان، ۲- توسعه شبکه‌های ارتباطی، ۳- تشکیل انجمن‌های دانشجویی، ۴- وجود تعاملات بین عناصر دانشگاه، ۵- تهیه بانک اطلاعات دانش آموخته‌گان، ۶- توجه به دیپلماسی علم و توسعه ارتباطات، ۷- توسعه شبکه علمی در علوم تربیتی، ۸- توسعه ارتباطات بین‌المللی، ۹- برگزاری نشست‌های تخصصی، ۱۰- ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک با صنعت، ۱۱- گسترش فرصت‌های مطالعاتی برای اساتید و دانشجویان
بازسازی جایگاه دانشگاه و علوم تربیتی در جامعه	۱- درک درست از جایگاه واقعی علوم تربیتی، ۲- معرفی درخور و شایسته رشته علوم تربیتی، ۳- روشن شدن کارکرد این رشته در جامعه، ۴- تعیین جایگاه واقعی علوم تربیتی در کشور، ۵- پیوند رشته علوم تربیتی با مباحث اجتماعی و استفاده از بودجه اجتماعی، ۶- حرکت به سمت اهداف ابتدایی رشته، ۷- افزایش خودآگاهی و خودکفایی رشته، ۸- توسعه قابلیت‌های این رشته با تبلیغات و آگاه‌سازی

### راهبردهای؛ الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

مطابق نظر اشتراوس و کوربین (۱۳۸۹)، راهبردها، رفتارها، اعمال، تعاملات، کنش‌هایی هستند که در طرز عمل عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و برای حل آنها به کار می‌رود و با صورت گرفتن آنها پدیده خاصی شکل می‌گیرد، در این راستا ۱۴ مقوله در حوزه راهبردها قرار می‌گیرند که عبارتند از: ۱- رفع موانع قانونی ۲- تمرکز زدایی ۳- بهبود روش‌های تدریس ۴- ارتباط با صنعت و بازار هدف ۵- تاسیس اتحادیه صنفی ۶- بازطراحی دوره‌های کاروزی ۷- ارائه خدمات مشاوره‌ای به دانشجویان ۸- تغییر شیوه‌های جذب دانشجو ۹- توسعه مهارت‌های اشتغال‌زا ۱۰- توجه به بسترهای جدید ۱۱- تصحیح مبانی ارائه مدارک ۱۲- توجه به بخش غیردولتی ۱۳- توجه ظرفیت‌های بین‌المللی ۱۴- مستندسازی تجارب، همچنین در جدول ۵، شرایط زمینه‌ای و کدهای باز مربوط به آن مورد آمده است.



طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی

**جدول ۵: راهبردهای الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی**

راهبردها	کدهای باز
رفع موانع قانونی	۱- چالش دانش آموختگان برای ورود به بازار کار مانند روند صدور مجوزها، ۲- ایجاد ضوابط و مقررات قانونی برای حضور اساتید در بازارکار
تمرکز زدایی	۱- جلوگیری از بروکراسی دانشگاهی چه در ساختار و چه در کارکرد، ۳- توسعه رویکرد غیرمتمرکز در آموزش عالی، ۴- جلوگیری از دیوانسالاری و بروکراسی اداری، ۵- تغییر نگاه آمرانه از بالا به پایین
بهبود روش‌های تدریس	۱- استفاده از روش‌های مناسب تدریس، ۲- تغییر در شیوه‌های تدریس، ۳- تغییر سیستم‌های سنتی تدریس، ۴- بهبود روش‌های تدریس متناسب با نیاز جامعه
ارتباط با صنعت و بازار هدف	۱- ارائه فرصت برای استفاده از آموخته‌ها در محیط واقعی، ۲- برقراری ارتباط مناسب با مراکز اصلی جذب دانشجو، ۳- همکاری و رفع موانع ارتباط این رشته در دانشگاه با مدارس، ۴- آشنایی دانشجویان با مراکز نهایی خدمت، ۵- استفاده از صاحبان‌رژان جامعه هدف شغلی در کلاس‌های دانشگاه، ۶- افزایش برنامه‌های فوق برنامه برای دانشجویان، ۷- کسب اعتماد صنعت به وسیله دانشگاه، ۸- ایجاد ساز و کار کاهش ریسک سرمایه‌گذاری صنعت در دانشگاه، ۹- ارائه بخشی از آموزش در سازمان نهایی، ۱۰- تایید پایان‌نامه‌ها به وسیله بخش خصوصی
تاسیس اتحادیه صنفی	۱- تاسیس یک سازمان نظام‌مند مانند نظام پزشکی یا نظام مهندسی، ۲- تشکیل یک سازمان علوم تربیتی، ۳- تشکیل اتحادیه‌های صنفی در این رشته، ۴- ایجاد یک انجمن حرفه‌ای با توانایی‌های قانونی، ۵- تشکیل کمیته‌های تخصصی در این رشته، ۶- توسعه و توجه به انجمن‌های غیر دولتی
باز طراحی دوره‌های کاروزی	۱- توجه به دروس کاروزی و عملی، ۲- حل مشکل کاروزی، ۳- ایجاد یک زیست‌بوم کاروزی، ۴- تغییر شیوه‌های کاروزی، ۵- آموزش موقعیت‌گرا، ۶- آشنا کردن دانشجو با زمینه و کاربرد رشته در بیرون، ۷- در نظر گرفتن بسترهای کارآموزی برای دانشجویان، ۸- برگزاری دوره‌های تکمیلی
ارائه خدمات مشاوره‌ای به دانشجویان	۱- تصحیح درک نامناسب رشته توسط دانشجو در دوره لیسانس، ۲- آگاه‌سازی دانشجویان قبل از ورود به این رشته، ۳- آشنایی دانشجویان با مراکز نهایی خدمت، ۴- توسعه راهنمای حرفه‌ای در دانشگاه‌ها، ۵- توجه به ایجاد انگیزه در دانشجویان، ۶- سازماندهی ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای
تغییر شیوه‌های جذب دانشجو	۱- جذب با برنامه دانشجو، ۲- جلوگیری از ورود افراد به این رشته بدون پس زمینه‌های لازم، ۳- توجه به کیفیت ورودی‌های آموزش عالی، ۴- توجه کمتر به تقاضای اجتماعی، ۵- در نظر گرفتن پایه‌های لازم برای ورود به این رشته، ۶- در نظر گرفتن محدودیت‌های ذاتی دانشجو در انتخاب رشته، ۷- تغییر و تدوین سیاست‌های جدید جذب دانشجو، ۸- جذب بر اساس نیازسنجی، ۹- حل مشکل ورود رتبه‌های ضعیف در این رشته، ۱۰- تعیین صلاحیت‌های مورد انتظار از دانشجویان در طول تحصیل
توسعه مهارت‌های اشتغال‌زا	۱- توجه به برنامه‌درسی اشتغال‌زا، ۲- تهیه لیستی از مهارت‌های مهم و تاثیرگذار، ۳- توسعه مهارت‌های عمومی، ۴- تاکید بر شایستگی محوری تا آموزش محوری، ۵- تهیه مدل شایستگی

راهِبردها	کدهای باز
توجه به بسترهای جدید	۱- توجه به بسترهای جدید مانند آموزش الکترونیکی و فضای مجازی، ۲- تهیه بسته‌های و محتوای آموزشی مناسب برای عرضه در بازار
تصحیح مبانی ارائه مدارک	۱- جلوگیری از تمایل زیاد به مدرک‌گرایی در این رشته، ۲- تخصص‌گرایی مبنای ارائه مدرک، ۳- حذف کارکرد تاخیری آموزش‌عالی، ۴- تغییر دیدگاه مدرک مساوی با منزلت اجتماعی، ۵- تغییر در استخدام‌های غیر واقعی، ۶- ارائه مدارک موازی، ۷- تاسیس مرکز آموزش‌های شغلی با توانایی ارائه مدرک
توجه به بخش غیر دولتی	۱- توجه به بخش غیردولتی در این رشته، ۲- توجه به بسترهای غیردولتی علوم تربیتی، ۳- تصحیح برداشت دولتی بودن علوم تربیتی، ۴- کاهش وابستگی دانشگاه به دولت، ۵- تدوین الگویی برای تربیت دانشجو برای بخش غیر دولتی، ۶- تشویق دانشگاه به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
توجه به ظرفیت‌های بین‌المللی	۱- توجه به ظرفیت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این رشته، ۲- توجه به تحولات جهانی، ۳- آموزش زبان‌های خارجه، ۴- انجام مطالعات تطبیقی
مستند سازی تجارب	۱- توسعه استفاده از مدیریت دانش، ۲- مستند سازی تجارب در دانشگاه، ۳- توسعه رویکرد شاگرد پروری

### پیامدهای؛ الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

پیامدها شامل پیامدهای مشهود و نامشهودی است که در اثر اجرای مدل بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی حاصل می‌گردد، در این راستا، می‌توان این پیامدها را در دو بعد پیامدهای سطح کلان و سطح بنگاه‌ها دسته‌بندی نمود، که عبارتند از: ۱- بهبود وضعیت اشتغال، ۲- اشتغال‌زایی پایدار، ۳- افزایش بهره‌وری، ۴- مدیریت تقاضا، ۵- اجتناب از تبعات منفی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ۶- مدیریت هزینه‌ها، ۷- افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری در رشته، ۸- افزایش منافع فرد و کارفرما همچنین در جدول ۶، شرایط زمینه‌ای و کدهای باز مربوط به آن مورد آمده است.

#### جدول ۶: پیامدهای الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی

پیامدها	کدهای باز
پیامدهای سطح کلان	۱- بهبود وضعیت اشتغال، ۲- اشتغال‌زایی پایدار، ۳- افزایش بهره‌وری، ۴- مدیریت تقاضا، ۵- اجتناب از تبعات منفی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ۶- مدیریت هزینه‌ها
پیامدهای سطح بنگاه‌ها	۱- افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری در رشته، ۲- افزایش منافع در سطح فرد و کارفرما

## بحث و نتیجه گیری

نقش گذشته دانشگاه که تنها آموزش و پژوهش بوده در حال حاضر تغییر کرده است (مارتین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳)، چرا که رابطه دانشگاه و صنعت از اهمیت زیادی برخوردار شده (باقری نژاد، ۱۳۸۷) و از آن به عنوان یک ضرورت نام برده می شود (ایزدی، صالحی عمران و قربانی، ۱۳۹۰؛ پورعزت و حیدری، ۱۳۹۰)، این در حالی است که در ایران این رابطه به دلایلی که ذکر شد به خوبی برقرار نشده است (شفیعی و موسوی، ۱۳۹۲؛ فائض و شهابی، ۱۳۸۹؛ شفیعی و یزدانیان، ۱۳۸۸؛ میرعلیخانی، کبیری اصفهانی و علی وردی لو، ۱۳۸۸)، و موجب بروز مقوله بی کاری در آموزش - عالی، به خصوص در حوزه علوم انسانی با توجه به ماهیت نظری آن شده است (صیدایی، بهاری و زارعی، ۱۳۹۰). همچنین روندهای موجود در ایران حاکی از این موضوع است که تناسب بین آموزش های دانشگاهی و کسب اشتغال، نامتوازن شده (صالحی عمران و چهارباشلو، ۱۳۹۲؛ خورشیدی و فرخی، ۱۳۹۱)، چرا که دانشگاه ها از حالت مکان های سنتی خودمختار خارج و تا حدودی به بنگاه های کسب و کار تبدیل شده اند (مهدی، ۱۳۹۳) و به نظر می رسد حوزه علوم - انسانی به صورت اعم و علوم تربیتی به صورت اخص، بیشترین ضربه را احساس می کنند، این در حالی است که، حداقل در جامعه ایرانی هنوز زمینه فعالیت اقتصادی مناسب برای این رشته ها آن طور که باید فراهم شود، مورد توجه قرار نگرفته است.

یافته های پژوهش حاضر حاکی از ۳۹ مقوله کلی است که پس از تحلیل یافته ها طی فرآیند کدگذاری باز و محوری در چارچوب الگوی پارادایمی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی با رویکرد اشتغال زایی را بازتاب می دهد، پدیده محوری پژوهش حاضر طراحی الگوی بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی بود که، هم پژوهش بر مبنای آن شکل گرفته و هم تقریباً در تمام مصاحبه های صورت پذیرفته، بر وجود مشکل و معضل در آن و در این رشته اشاره شده است، در واقع نکته اساسی این موضوع است که تقریباً چیزی حدود صد در صد مصاحبه شوندگان معتقد بودند که هیچ الگویی در زمینه توسعه اشتغال و اشتغال زایی حداقل در رشته علوم تربیتی ارائه نشده است و این به عنوان یک ضعف بزرگ در حوزه آموزش عالی مطرح بوده که علت اصلی چنین رخدادی را می توان، در مشخص نبودن جایگاه واقعی علوم تربیتی در جامعه جستجو نمود (شهامت، آراسته، شهامت و روزگار، ۱۳۹۲)، زیرا با این رویکرد نه تنها فارغ التحصیل درک درستی از جایگاه خویش در جامعه ندارد، بلکه نظام اشتغال در سطح کلان نیز نمی تواند برنامه مدونی برای هدایت شغلی وی ارائه دهد که در حوزه علوم تربیتی به عنوان یک مثال واضح می توان به کمشکس های بین

---

1. Martin

آموزش عالی و دانشگاه فرهنگیان در تربیت نیروی انسانی برای حرفه آموزگاری و دبیری اشاره نمود، همچنین جدا از وظایف ذاتی آموزش عالی به نظر می‌رسد با توجه به توسعه مفاهیم جدید در آن به ویژه مقوله مسئولیت‌پذیری، و شرایط نامساعد اقتصادی، دانشگاه باید احساس وظیفه بیشتری را در حوزه کار و اشتغال از خویش نشان دهند.

نتایج پژوهش در حوزه عوامل علی از تاثیرگذاری برنامه‌درسی خبر می‌دهند این در حالی است که برنامه‌درسی قلب نظام آموزشی است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۷)، و باید بتواند نیازهای واقعی جامعه را بشناسد و بر اساس یک اجماع مناسب و در نظر گرفتن تمام ذی‌نفعان تهیه و تنظیم شود (کریمی، نصر و شریف، ۱۳۹۲)، امروزه برنامه‌درسی تاثیر بسیار زیادی در انتخاب شغل و توانایی‌های دانش‌آموختگان داشته (آقاپور و همکاران، ۱۳۹۰)، و دانشجویان را برای اشتغال مولد آماده می‌سازد (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۲)، ماموریت‌گرایی نیز به‌عنوان جزیی دیگر از شرایط علی، باید در تمام ارکان آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد، که می‌توان به‌عنوان نمونه به مقوله هدفمندی در زمینه ارائه آموزش‌های عملی و کاربردی در علوم تربیتی اشاره نمود، زیرا هر حرکت غیر برنامه‌ریزی شده‌ای می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد که یکی از بارزترین آنها توسعه کمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی بدون هیچ‌گونه برنامه مدون و از پیش تعیین شده می‌باشد.

مقوله شیوه‌های آموزش و یادگیری نیز به‌عنوانی یکی از مهمترین عوامل علی مطرح بوده چرا که پایین بودن سطح کیفی آموزش‌ها در نظام آموزش عالی باعث شده است تا دانش‌آموختگان در تطابق با بازار کار و یافتن شغل مناسب و اشتغال پایدار دچار مشکل شوند (آقاپور و همکاران، ۱۳۹۱). این در حالی است که به نظر می‌رسد، رشته‌های علوم تربیتی به رشته‌هایی دم‌دستی تغییر هویت یافته‌اند به این معنی که صرف وجود یک کلاس با هر شکل و ظاهری و یک مدرس با هر کیفیتی، تضمین کننده و زمینه مناسب برای ارائه آموزش و یادگیری در این رشته است، اما متأسفانه ادامه این روند، علوم تربیتی را به سقوط در سیاه چاله بی‌کیفیتی هدایت خواهد نمود، به علاوه توسعه صنعتی نیازمند نیازسنجی مناسب است چرا که، ارتباط دانشگاه و صنعت فرآیندی است، که در طول زمان شکل گرفته و برگرفته از نیازها و ضرورت‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است (فائز و شهابی، ۱۳۸۹)، همچنین اعضای هیات علمی به‌عنوان یکی از ارکان مهم نظام آموزشی نقش مهمی در کارایی و اثربخشی نظام آموزشی دارند، چرا که آنها به‌عنوان کارکنان دانشی، باید بتوانند کل سیستم را به سمت حل مشکلات از جمله مشکلات اقتصادی سوق دهند (چیانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). در تکمیل این مبحث باید بیان نمود که اگر سیستم

طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی

آموزشی از هر نوع نقصی رنج ببرد، اما معلم و مدرس می‌تواند با ایفای نقش موثر، از این نقوص کاسته و زمینه پیشرفت سیستم آموزشی را فراهم کند. به علاوه مفهوم کیفیت در همه جنبه‌ها نیز به‌عنوان جزیی مهم از عوامل علی در مصاحبه‌ها مورد توجه قرار گرفته است، شاید مهمترین دلیل این موضوع رهایی از مقوله کمیت‌گرایی و توسعه مفهوم کیفیت در آموزش عالی باشد. همچنین نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش‌های آقاپور و همکاران (۱۳۹۱)، شادفر و همکاران (۱۳۹۰)، نصر، جمالی‌زواره، نیلی و آرمند (۱۳۸۸) و عارفی (۱۳۸۳)، با تاکید بر جایگاه برنامه‌درسی در حوزه اشتغال رشته علوم تربیتی، انتظاری (۱۳۸۸) و حسین‌پور و همکاران (۱۳۸۶)، در حوزه توجه به ماموریت‌گرایی علوم تربیتی و خورسندی طاسکوه (۱۳۸۸)، با تاکید بر حوزه نیازسنجی به‌منظور بهبود وضعیت اشتغال این رشته همخوان می‌باشد.

نتایج پژوهش در حوزه شرایط زمینه‌ای نشان دهنده مولفه‌های متعددی است، سیاست‌گذاری مناسب در این حوزه به‌منظور ایجاد حمایت‌های همه‌جانبه ضروری به نظر می‌رسد (شهامت، آراسته، شهامت و روزگار، ۱۳۹۲)، این در حالی است که سیاست‌گذاری‌های ارائه شده باید زمینه بومی‌سازی رشته را نیز فراهم کند (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶)، چرا که بسیاری از پژوهشگران معتقد هستند علوم تربیتی رشته‌ای وارداتی است و این در حالی است که باید وظیفه آن حل مسائل واقعی کشور باشد (عیوضی، ۱۳۸۴)، به علاوه در این حوزه نباید مقوله اقتصاد را نادیده گرفت چرا که علاوه بر اینکه مصاحبه‌ها نشان دادند که عامل اقتصادی یک عامل مهم و تاثیرگذار است، بلکه می‌توان نیازهای مالی آموزش عالی را با تدوین سیاست‌های مناسب و طراحی سازوکارهای مطلوب پاسخ داد (انتظاری و قارون، ۱۳۹۳)، مصاحبه‌های صورت گرفته حاکی از این موضوع بودند که متأسفانه وضعیت بعد اقتصادی حتی صنایع مادر و پردرآمد را تحت‌تأثیر منفی خویش قرار داده است، این در حالی است که حوزه علوم انسانی از جمله علوم تربیتی خسارات و تبعات منفی بیشتری را از این روند احساس خواهد نمود.

مقوله فضا و امکانات آموزشی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که، کمیت و کیفیت امکانات آموزشی، با بازده مورد انتظار از تحصیلات (عامل اقتصادی)، ارتباط مستقیمی دارد (صالحی‌عمران، ابراهیمی و حسین‌زاده، ۱۳۹۰)، متأسفانه همانطور که در بالا بیان شد، به نظر می‌رسد که علوم تربیتی و شیوه‌های آموزشی آن فقط با وجود یک کلاس و آن هم با هر کیفیتی مساوی انگاشته می‌شود، و اینکه هیچگونه امکانات آموزشی و کمک آموزشی برای ارائه مباحث آن لازم نیست به یک اصل تبدیل گردیده است، این در حالی است که این موضوع تنها می‌تواند به‌عنوان دامی در مسیر پیشرفت و ترقی این رشته مطرح شود. به علاوه لازم به ذکر است که زمانی همه عوامل فوق می‌توانند به خوبی عمل کنند که یک فرهنگ مناسب کارآفرینی در جامعه و به ویژه آموزش عالی حکم‌فرما بوده و افراد وظیفه خود را تولید اشتغال ببینند تا منتظر

ماندن برای دریافت شغل‌های دولتی باشند (عارفی، ۱۳۸۳). همچنین نتایج این بخش از یافته‌های پژوهش با پژوهش‌های عباسی و فراستخواه (۱۳۹۳)، با تاکید بر حوزه اقتصادی و تاثیر آن و بر وضعیت اشتغال رشته، ذاکر صالحی (۱۳۹۱) و نوذری (۱۳۹۱)، با رویکرد تحولات و بومی‌سازی رشته و تاثیر آن بر اشتغال، اولادیان، نراقی، نادری و شریعتمداری (۱۳۸۹)، با تاکید بر اهمیت کارآفرینی و راولی و همکاران (۱۳۸۲)، در توجه به مقوله جایگاه سیاست‌گذاری در بهبود وضعیت اشتغال در رشته علوم تربیتی، همخوان می‌باشد.

نتایج پژوهش در حوزه استراتژی‌ها بیان‌گر حداقل ۱۴، استراتژی است که پژوهشگر با تجمیع بسیاری از راهبردهای ارائه شده در مصاحبه‌ها به این موارد رسیده است، در این راستا می‌توان استراتژی‌ها را در دو بعد کلان و ملی و در سطح دانشگاه دسته‌بندی نمود؛ به‌عنوان اولین استراتژی برای اینکه شاهد تغییرات مثبت در این حوزه باشیم سیاست‌گذاران آموزش‌عالی نیازمند توجه به رفع موانع قانونی هستند (یسلموران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴)، تا بتوانند بسترهای اشتغال را برای فراگیران محیا کنند، متاسفانه چالش‌های اشتغال و ایجاد یک شغل در جامعه به ویژه برای فارغ‌التحصیلان حوزه علوم تربیتی بسیار جدی به نظر می‌رسد به‌عنوان مثال، تاسیس یک واحد آموزش و پرورشی نیازمند پشت سر گذاشتن بروکراسی شدید اداری بوده و فرد را با چالش‌های فراوانی روبرو می‌کند، به علاوه این حوزه باید تاکید زیادی بر تمرکز زدایی در آموزش‌عالی داشته باشد (کاشکولی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴)، چرا که متاسفانه ما هنوز شاهد نگاه آمرانه و از بالا به پایین در آموزش‌عالی هستیم، در حقیقت چگونه می‌توانیم زمینه‌ها و بسترهای خلاقیت را فعال کنیم در حالی که به سطوح پایین توجه‌ای نداشته و هنوز در پی انتشار دستورالعمل‌هایی هستیم که برای تمام حیطه‌ها و محیط‌ها کاربرد داشته باشند. همچنین یکی از مهمترین استراتژی‌های پیشنهاد شده تاسیس اتحادیه صنفی است که بتواند هم بر ارائه مدارک و هم در خصوص توسعه کمی و کیفی رشته و هم در خصوص بازار اشتغال نظارت کافی را داشته و از بسیاری از آسیب‌ها جلوگیری کند این در حالی است که در برخی از رشته‌ها، مانند پزشکی این موضوع به خوبی قابل مشاهده است.

در این قسمت تاکید ویژه به اجرای درست دوره‌های کاروزی (تایکلر، ۲۰۰۷) و خارج شدن آن از حالت یک رفع تکلیف به ویژه در دروس عملی در دوره لیسانس شده است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند چرا که زمینه‌های مناسبی برای ارتباط با صنعت را فراهم کرده و به توسعه مهارت‌های اشتغال‌زا نیز کمک می‌کنند (ژانر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). همچنین می‌توان به تصحیح مبانی ارائه

1. Yeşilorman
2. Kaskhooli
3. Jonnaert

طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی

مدارک اشاره کرد، چرا که باید تصور این موضوع که دانشگاه فقط محل ارائه مدرک است به هر نحوی تغییر کند، زیرا بسیاری از افراد نتوانسته‌اند آموخته‌های خود را در دوره لیسانس به تثبیت برسانند و به سرعت در پی گرفتن مدارک بالاتر هستند، این مهم نه تنها بر تراکم مدارک می‌افزاید، بلکه باعث پدیده بیکاری و افزایش انتظارات غیرواقعی فارغ‌التحصیلان می‌گردد، و فرد پس از فارغ‌التحصیلی بدون توجه به کیفیت آموزش‌های ارائه شده و توانایی خویش به‌عنوان یک مدعی کسب مناسب شغلی به جامعه معرفی می‌شود. به علاوه سه مقوله کلیدی، یعنی توجه به مستندسازی تجاری که تاکنون کسب شده است و عدم تکرار مسیرهای نادرست، ارتباطات بین‌المللی و توجه به این تحولات به‌عنوان یک برنامه عملی مناسب و توجه به بخش غیردولتی به‌عنوان یک بازوی مناسب برای کمک به بخش دولتی، می‌تواند ما را از بسیاری از چالش‌های پیش رو رهایی بخشد و زمینه افزایش بهره‌وری و اثربخش آموزش عالی و به ویژه علوم تربیتی را در حوزه اشتغال فراهم کند. همچنین نتایج این بخش از یافته‌های پژوهش با پژوهش‌های حسینی و همکاران (۱۳۹۳) و شهرکی‌پور (۱۳۹۱) با تاکید بر تاثیر کیفیت بر وضعیت اشتغال، نجف‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳)، در جهت توجه به تغییر در مبانی ارائه مدارک در این رشته، شریفیان و همکاران (۱۳۹۲)، به‌منظور توجه به بخش غیردولتی و نیازهای کارفرمایان، شفیعی و موسوی (۱۳۹۲)، فاضل و شهبابی (۱۳۸۹) و فراستخواه (۱۳۸۹)، با تاکید بر ارتباط دانشگاه و صنعت، صالحی‌عمران و چهارباشلو (۱۳۹۲)، جانعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)، خورشیدی و فرخی (۱۳۹۱)، صالحی‌عمران و یغموری (۱۳۸۹) و سالم‌ن (۲۰۱۶)، در جهت تاکید بر مهارت‌های اشتغال‌زا به‌منظور رفع مشکلات اشتغال رشته، همخوان می‌باشد.

در ارتباط با عوامل مداخله‌گر که به‌طور غیر مستقیم بر پدیده محوری اثر می‌گذارند لازم به ذکر است که برخی از این عوامل موجب ایجاد موانع و در برخی موارد موجب تسهیل توسعه اشتغال‌زایی و اشتغال‌پذیری در حوزه علوم تربیتی می‌شوند، در این راستا مقوله سیاست‌زدگی آموزش عالی، آن را به ابزاری در دست سیاستمداران تبدیل می‌کند (واتانابه و کریز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴)، در همین راستا و به‌عنوان یکی از آسیب‌های سیاست‌زدگی می‌توان به مقوله توسعه کمی رشته بدون در نظر گرفتن بسترهای واقعی اشتغال اشاره نمود، امروزه متأسفانه شاهد گسترش بی‌رویه موسسات آموزش عالی بدون هیچگونه پشتوانه کیفی و کمی هستیم که این خود به شدت هم به جایگاه واقعی آموزش عالی لطمه زده و هم حضور در آموزش عالی را از یک فرصت و مزیت به یک ضرورت تبدیل می‌کند، چرا که هر فرد با هر شغل و هر نوع علاقه و پس زمینه‌ای باید تنها به علت انواع فشارهای روانی و اجتماعی وارد آموزش عالی شود.

---

1. Watanabe and Keeres

به علاوه وجود موازی کاری‌هایی در تربیت دانشجویان مانند دانشگاه فرهنگیان که تقریباً هیچ ارتباطی با آموزش عالی ندارد می‌تواند به فرآیند اشتغال‌پذیری و اشتغال‌زایی در این رشته آسیب فراوانی بزند، در واقع این موضوع چالشی است که از زمان شروع به کار مراکز تربیت معلم و با تغییر نام به دانشگاه فرهنگیان، آموزش عالی با آن روبرو است و به نظر نمی‌رسد به این زودی از آن رهایی پیدا کند، که دانشجویان و اساتید را در یک سردرگمی عمیقی فرو برده تا بدانجا که ایشان، جایگاه واقعی خود را در چرخه آموزش عالی نمی‌شناسند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد مسئولیت‌پذیری دانشگاه به شدت کاهش یافته و دانشگاه تنها وظیفه خویش را پاسخگویی به تقاضای اجتماعی دانسته و کوششی برای حل موانع موجود بر سر اشتغال فراگیران از خویش نشان نمی‌دهد که با توجه توسعه مفاهیمی همانند دانشگاه کارآفرین، دانشگاه ایرانی باید این روند را اصلاح نموده و بر ایجاد دغدغه در این حوزه تاکید کند. مباحثی همچون توجه به ارتباطات و شبکه‌سازی به ویژه ارتباط دانشجویان با صنعت و مراکز نهایی ارائه خدمت و طرح مسائل روز به منظور حل آن و ارزشیابی و اعتبارسنجی از محتوا و هر عاملی که می‌تواند فراگیر را در مسیر درست هدایت کند، به عنوان سایر استراتژی‌ها مطرح می‌باشد، همچنین نباید ویژگی‌های فردی هر یک از دانشجویان را هنگام ورود به دانشگاه نادیده گرفت و به این منظور باید جایگاه واقعی دانشگاه و رشته علوم تربیتی به خوبی شناخته شده و آموزش عالی برای آن یک جایگاه ویژه‌ای با توجه به موضوع تعلیم و تربیت باز کند و نسبت به ورودی‌ها و خروجی‌های آن به شدت حساس باشد. نتایج این بخش از یافته‌های پژوهش با پژوهش‌های آراسته و جمشیدی (۱۳۹۳) و چان و لین (۲۰۱۵)، با تاکید بر تاثیر منفی توسعه کمی بر اشتغال، پرداختچی و همکاران (۱۳۹۱)، با محوریت افزایش مسئولیت‌پذیری دانشگاه، شعبانعلی، آقاپور و علم‌بیگی (۱۳۸۸)، با تاکید بر ویژگی‌های شخصیتی فراگیران و تاثیر آن بر متغیرهای شغلی و با پژوهش مارتینی و فابریس (۲۰۱۷)، با در نظر گرفتن جایگاه اعتباریابی و ارزشیابی و اثر آن بر اشتغال، همخوان می‌باشد. در مقوله پیامدها و با توجه به مباحث ارائه شده و در صورت توجه به همه عوامل ذکر شده می‌توان امید داشت که آموزش عالی با این روند دارای پیامدهای مثبتی در حوزه اشتغال بوده و زمینه لازم برای اشتغال فارغ‌التحصیلان و حتی فراگیران فراهم آیند، این پیامدها هم می‌تواند در سطح کلان همانند، بهبود وضعیت اشتغال و بهره‌وری بوده و هم در سطح بنگاهی موجب افزایش منافع فردی و سازمانی شود.

در جمع‌بندی کلی پژوهش این موضوع قابل ذکر است که امروز توجه به مقوله اشتغال و اشتغال‌زایی دیگر تنها یک مقوله فرعی برای دانشگاه نیست بلکه به یک مساله اساسی برای آموزش عالی تبدیل شده به همین منظور سعی شده است با رویکرد متفاوتی به این موضوع نگرسته شود، در این راستا پیشنهاد می‌شود؛ نظامنامه خاص رشته علوم تربیتی برای جهت‌دهی



طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی به برنامه‌ها و فعالیت‌ها و جلوگیری از تک‌بعدی و بی‌فایده شدن اهداف و امورات این رشته تدوین شود؛ انجام ارزیابی‌های درون و برون سازمانی گسترش یابد؛ شایسته‌گزینی و تفوض اختیار در جهت بهبود عملکرد رشته صورت پذیرد؛ حمایت از خلاقیت و نوآوری در دانشگاه مورد توجه و حرکت از کمیت به سوی کیفیت تسریع شود؛ تشکیل شورای تدوین برنامه‌های درسی در دستور کار گیرد؛ توجه به رویکرد تجاری‌سازی در ارزیابی پروژه‌های دانشجویان مورد توجه و طراحی نظام مدیریت ایده‌ها صورت پذیرد؛ همچنین، تقویت انگیزه کسب موفقیت و ایجاد روحیه تلاش و سخت‌کوشی؛ تغییر اساسی در شیوه‌ها و روش‌های تدریس؛ تدارک مراکز مشاوره‌ای با عنوان مشاوره شغلی؛ مشارکت تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران در این رشته؛ تشکیل قطب علمی در حوزه علوم تربیتی؛ تقویت مدیریت تحقیق و توسعه؛ توجه به نیازهای بازار کار و تعامل با مشتریان؛ توجه به مسائلی همانند بیمه و جبران خسارت ناشی از ریسک‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دانشجویی و اجرای سیاست مأموریت‌گرا نمودن آموزش عالی مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد، در هر صورت امید است که بتوان با الگوی ارائه شده گام مثبتی در خصوص وضعیت اشتغال فراگیران در حوزه مورد بحث برداشته شود.

## منابع

- آراسته، حمیدرضا و جمشیدی، لاله. (۱۳۹۳). عوامل تأثیرگذار بر توسعه کمی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران، مجله علوم تربیتی، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۸۳-۱۱۲.
- اسماعیل‌زاده، رضا و مرزی، پرستو. (۱۳۹۷). مدرک تحصیلی و اشتغال در ایران، همایش تولید ملی و اشتغال پایدار، چالش‌ها و راهکارها، دانشگاه آیت اله بروجردی (ره)، بروجرد.
- آقاپور، شهلا؛ موحد محمدی، سید حمید؛ علم‌بیگی، امیر و شعبانعلی فمی، حسین. (۱۳۹۱). بررسی نقش مهارت‌های توسعه فردی در برنامه درسی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های کشاورزی دانشگاه تهران. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. شماره ۶۳، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- انتظاری، یعقوب. (۱۳۸۸). ارائه الگویی برای هماهنگ‌سازی نظام آموزش عالی با تحولات مبتنی بر دانش در نظام اشتغال، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۳، صص ۱-۲۷.
- اولادیان، معصومه؛ نراقی، سیف؛ نادری، عزت الله و شریعتمداری، علی (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشگاه تهران و مدیران کارآفرین شهر تهران به‌منظور فراهم نمودن الگوی مناسب برنامه‌درسی دوره کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، فصلنامه اندیشه نو در علوم تربیتی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۸۰-۱۰۳.
- ایزدی، صمد؛ صالحی‌عمران، ابراهیم و قربانی، عادل. (۱۳۸۹). ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه جامع علمی کاربردی، مجله آموزش عالی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱-۲۴.

- مجتبی تجری، ابراهیم صالحی عمران، یداله مهرعلی‌زاده و محسن علیزاده ثانی
- باقری نژاد، جعفر. (۱۳۸۷). سیستم ارتباط دانشگاه صنعت برای توسعه فناوری در ایران، سازوکارها و پیشنهادها. سیاست علم و فناوری، سال اول، شماره ۱، صص ۱-۱۴.
- بروجنی، مجید؛ نصر، احمدرضا؛ نیکخواه، محمد؛ سپهری، کبری و امرایی، ساسان. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر عدم بکارگیری دانش‌آموختگان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی استان چهارمحال و بختیاری در پست‌های تخصصی و مدیریتی. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال اول، شماره ۱، صص ۳۳-۵۴.
- بیگدلی، مژگان؛ کرامتی، محمدرضا و بازرگان، عباس. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۵، صص ۱۱۱-۱۳۱.
- پاریاد، رحمان و معدن دار آرانی، عباس. (۱۳۸۷). چشم‌انداز علوم انسانی و معرفت‌های میان‌رشته‌ای. نشریه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۰، صص ۸۳-۱۱۴.
- پرداختچی، محمدحسین؛ بازرگان، عباس؛ آراسته، حمید و مظفری، گشتاسب. (۱۳۹۱). شکاف پاسخگویی بیرونی دانشگاه‌ها از دیدگاه جامعه علمی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال ۱۸، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۲.
- پورعزت، علی اصغر؛ خواستار، حمزه؛ عطار، غزاله؛ فراحی، محمدمهدی و نرگسیان، عباس. (۱۳۸۷). الگوی مطلوب طراحی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن. مجله دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴، صص ۳-۲۱.
- پورکاظمی، محمد حسین. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت راهیابی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی به بازار کار. فصلنامه پژوهش برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۰.
- ثمری، عیسی؛ یمینی دوزی سرخابی، محمد؛ صالحی عمران، ابراهیم و گرائی نژاد، غلامرضا. (۱۳۹۲). بررسی و شناسایی عوامل مؤثر در فرآیند توسعه دانشگاهی در دانشگاه‌های دولتی ایران. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال ۲، شماره ۴، صص ۶۷-۱۰۰.
- جانعلی‌زاده چوب بستنی، حیدر؛ خاکزاد، زینب و مرادی، فاطمه. (۱۳۹۱). شایستگی‌های کانونی دانشجویان دانشگاه مازندران؛ ارتقا یا افت؟. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال اول، شماره ۲، صص ۶۱-۱۱۲.
- جمالی‌زواره، بتول؛ نصر، احمدرض؛ آرمنند، محمد و نیلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، تبیین معیارهای محتوایی تألیف و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهی رشته‌های علوم تربیتی، مشاوره و روان‌شناسی، سخن سمت، شماره ۲۱، صص ۳۱-۴۹.
- جهانی، جعفر. (۱۳۸۴). نقد و بررسی کمیت و کیفیت برنامه‌درسی مصوب دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی در ایران. خبرنامه داخلی انجمن برنامه‌ریزی درسی در ایران، سال سوم، شماره ۶.

طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تاکید بر رویکرد اشتغال زایی حسین پور، محمد؛ شریعتمداری، علی؛ نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم. (۱۳۸۶). نگرش استادان علوم تربیتی به سرفصل برنامه‌های تحصیلی رشته کاردانی و کارشناسی آموزش ابتدایی در آموزش عالی ایران. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره پانزدهم، صص ۹۵-۱۱۸.

حسینی، سید کرامت؛ تبریزی، امید و حسن‌زاده، محمدتقی. (۱۳۹۳). ارزیابی و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موثر بر افزایش کیفیت آموزش عالی ایران و آرایه راهکارهای بهینه؛ مطالعه موردی: رشته‌های شهرسازی و علوم تربیتی. مدیریت شهری، دوره ۱۳، شماره ۳۷، صص ۲۸۷-۲۹۸.

خورسندی طاسکوه، علی. (۱۳۸۸). تنوع‌گونه شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته‌ای. مجله‌ی مطالعات میان رشته‌ای، دوره ۱، شماره ۴، صص ۵۷-۸۳.

خورسندی طاسکوه، علی. (۱۳۹۶). گفتمان میان‌رشته‌ای دانش. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم.

خورشیدی، عباس و فرخی، داوود. (۱۳۹۱). مؤلفه‌های سازنده شایستگی‌های مهارت‌آموختگان. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۶۱.

داورپناه، محمدرضا. (۱۳۸۴). روابط میان‌رشته‌ای در علوم انسانی: تحلیلی استنادی. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، شماره ۱۸، صص ۱۷-۳۶.

دین محمدی؛ مصطفی، نریمانی، مریم و قربانی، فهیمه. (۱۳۹۷). شبیه‌سازی روند تغییرات عرضه دانش‌آموختگان آموزش عالی و بیکاران دارای تحصیلات عالی در ۱۴۰۴-۱۳۹۵؛ مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۳، شماره ۳، پیاپی، ۱۲۴، صص ۵۶۹-۵۹۵.

ذاکرحاجی، غلامرضا. (۱۳۹۱). آموزش عالی مالزی: تحولات و چشم‌اندازها، نامه‌ی آموزش عالی، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۹۵-۱۲۶.

راولی، دانیل جیمز؛ لوهان، هرمن، دی و دولنس، مایکل جی. (۱۳۸۲). تغییر راهبردی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی. ترجمه حمید رضا آراسته، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین، چاپ اول.

سعیدی رضوانی، محمود؛ محمدحسین زاده، معصومه؛ باغگلی، حسین. (۱۳۸۹). سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، شماره ۱۱، صص ۵۷-۸۶.

شادفر، حوریه؛ لیاقتدار، محمدجواد و شریف، مصطفی. (۱۳۹۰). بررسی میزان انطباق برنامه‌درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۲، صص ۱۲۳-۱۴۶.

شرفی، محمد و مقدم، مینا. (۱۳۹۴). واکاوی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی. فصلنامه سال اول، شماره ۲، صص ۱۶۷-۱۹۲.

شریف، بهرام و منصف، محمود. (۱۳۹۰). مهندسی مجدد نگرش در نظام آموزش عالی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال اول، شماره دوم، صص ۱-۲۸.

شریفیان، فریدون؛ جعفری، سید ابراهیم؛ موسی پور، نعمت‌الله و شریف، سید مصطفی. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت موجود و مطلوب مشارکت مدیران و کارفرمایان در برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی. دوفصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، دوره سوم، شماره ۶، صص ۸۲-۱۱۳.

شعبانعلی فمی، حسین؛ آقاپور، شهلا و علم بیگی، امیر. (۱۳۸۸). تحلیل عوامل فردی موثر بر یادگیری شغل محور در بین دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران. مجله آموزش عالی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۲۵.

شفیعی، مسعود و موسوی، سید عبدالرضا. (۱۳۹۲). تحلیل موانع، فرصت‌ها، راهکارهای توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه. دوفصلنامه نوآوری آموزشی و ارزش آفرینی، سال اول، شماره ۵، صص ۵-۱۸. شفیعی، مسعود. (۱۳۸۲). تاریخچه ارتباط صنعت و دانشگاه. مجموعه مقالات سومین کنگره سراسری دولت، دانشگاه و صنعت برای توسعه ملی، صص ۲۱-۳۲.

شهامت، نادر؛ آراسته، حمیدرضا؛ شهامت، فاطمه و روزگار، مریم. (۱۳۹۲). بازسازی ساختار میان رشته‌ای‌ها در آموزش عالی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۱، صص ۵۵-۷۷.

شهرکی پور، حسن. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد دانشکده علوم تربیتی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال نهم، دوره دوم، شماره ۷، صص ۱۱۸-۱۲۴.

صالحی عمران، ابراهیم و چهارباشلو، حسین. (۱۳۹۲). بررسی میزان توجه به مهارت‌های عمومی اشتغالزا در محتوای کتب درسی دوره آموزش راهنمایی ایران. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۶۸-۹۵.

صالحی عمران، ابراهیم و یغموری، سعید. (۱۳۸۹). بررسی مهارت‌های اشتغال‌زای بازار کار با توجه به اقتصاد جهانی در برنامه‌های درسی آموزش عالی. مجله مطالعات برنامه‌درسی، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۱۶۵-۱۸۵.

صیدایی، سید اسکندر؛ بهاری، عیسی و زارعی، امیر. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۵۳-۸۹. مجله‌ی راهبرد یاس، شماره ۲۵، صص ۲۴۷-۲۱۶.

عارفی، محبوبه. (۱۳۸۳). بررسی برنامه‌های درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی)، آموزش عالی ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن. پایان‌نامه دکترای تخصصی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم انسانی.

عباسی تقی دیزج، رسول و فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۳). تحلیل فازی عوامل موثر بر توازن برابری آموزش عالی و توسعه اقتصادی در سطح کلان (یک رویکرد تطبیقی- کمی). دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال سوم، شماره ۵، صص ۲۵-۵۰.

عزیزی، نعمت‌الله. (۱۳۸۳). اشتغال و آموزش عالی: دایره‌المعارف آموزش عالی. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، صص ۱۵۳-۱۴۵.

طراحی الگویی به منظور بازسازی سیستم دانشگاهی در علوم تربیتی، با تأکید بر رویکرد اشتغال زایی عزیز، نعمت الله. (۱۳۸۷). بررسی چالش‌ها و نارسایی‌های تحصیلات دانشگاهی در حوزه علوم انسانی تاملی بر نظرات دانشجویان. مجله آموزش عالی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱-۲۹.

عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی علوم انسانی در چشم انداز بیست ساله. اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۱۰۲-۱۲۶.

الفاویان، نادر. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی الیگودرز. نامه آموزش عالی، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۱۷۹-۱۹۴.

فائض، علی و شهابی، علی (۱۳۸۹). ارزیابی و اولویت‌بندی موانع ارتباط دانشگاه و صنعت، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال ۴، شماره ۲، صص ۹۷-۱۲۴.

فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۷). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: انتشارات ایران زمین، چاپ ششم.

فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۹). بررسی الگوی تعاملات آموزش عالی و دانشگاه با سایر نظام‌های تولید و خدمات. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۷، صص ۴۵-۶۴.

قورچیان، نادرقلی و مالکی، فائزه سادات. (۱۳۹۵). برنامه درسی در نظام آموزشی (با تأکید بر روش‌های میان‌رشته‌ای). تهران: انتشارات مشکوه دانش، چاپ اول.

کارشکی، حسین؛ جعفری ثانی، حسین و ارفع بلوچی، فاطمه. (۱۳۹۲). ارزیابی محتوای برنامه درسی رشته علوم تربیتی گرایش آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی. پژوهش در برنامه‌ریزی، سال دهم، دوره دوم، شماره ۱۱، صص ۱۰۳-۱۱۵.

کیزیوری، امیرحسین؛ یمینی دوزی سرخابی، محمد، مهرمحمدی؛ محمود و ابوالقاسمی، محمود. (۱۳۹۱). مفهوم پردازی توسعه سیستم میان‌رشته‌ای از منظر پیچیدگی سیستم دانشگاه. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۵۷.

گویا، زهرا. (۱۳۸۴). عدم تعادل در برنامه‌درسی دکترای تخصصی رشته برنامه‌ریزی درسی در ایران. خبرنامه داخلی انجمن برنامه‌ریزی درسی در ایران، سال سوم، شماره ۶.

محمودیان، حسین و رشوند، مرجان. (۱۳۹۱). اشتغال زنان فارغ‌التحصیلان آموزش عالی و عوامل جمعیتی و اجتماعی مؤثر بر آن. زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۴.

ملا محمدی، آمنه. (۱۳۷۹). ارزیابی کیفیت برنامه‌درسی رشته برنامه‌ریزی آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

مهدی، رضا (۱۳۹۳). آینده‌شناسی آموزش عالی: راهبردها و پیامدهای سازگاری دانشگاه با محیط جامعه. فرآیند مدیریت و توسعه، شماره ۱، پیاپی ۹۱، صص ۳۱-۵۴.

مومنی‌مهموئی، حسین؛ شریعتمداری، علی و نادری، عزت‌الله. (۱۳۸۷). برنامه‌درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی. پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، شماره ۱۷، صص ۱۲۹-۱۵۶.

میرعلیخانی، کریم؛ کبیری اصفهانی، محمد و علی وردی‌لو، هوشنگ. (۱۳۸۸). بررسی موانع همکاری صنعت و دانشگاه و معرفی یک نمونه موفق در ایران. نشریه صنعت و دانشگاه، سال ۲، شماره ۳ و ۴، صص ۷۵-۸۹.

- نجف بیگی، رضا. (۱۳۸۸). *میانی سازمان و مدیریت*. تهران: نشر ترمه، چاپ اول.
- نجف‌آبادی، محمد؛ محمدزاده، سعید؛ خسروی‌پور، بهمن و یزدان پناه، مسعود. (۱۳۹۳). *عوامل مؤثر بر تمایل شغلی دانشجویان به استخدام: کاربردی از نظریه توسعه یافته رفتار برنامه‌ریزی شده*. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۷۵-۹۳.
- نصر، احمدرضا؛ جمالی زواره، بتول؛ نیلی، محمد رضا و آرمند، محمد. (۱۳۸۸). *تبیین معیارهای نگارشی و ساختاری تألیف و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهی رشته‌های علوم تربیتی، مشاوره و روان‌شناسی*. نامه‌ی آموزش عالی، شماره ۲۱، صص ۳۱-۴۹.
- نوذری، محمود. (۱۳۹۱). *امکان اسلامی سازی و بومی سازی برنامه‌درسی رشته علوم‌تربیتی*، مجله راهبرد فرهنگ، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱۳۹-۱۶۸.
- نوبین‌فر، علی؛ دردانی، کمال و کرمدوست، نوروزعلی. (۱۳۹۱). *بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های فنی و مهندسی و روان‌شناسی و علوم‌تربیتی دانشگاه تهران*. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۶، صص ۱۴۵-۱۶۷.
- هاشم‌نیا، شهرام؛ عمادزاده، مصطفی؛ صمدی، سعید و ساکتی، پرویز. (۱۳۸۸). *روش‌های تجاری‌سازی در آموزش عالی و چالش‌های آن*. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، دوره ۲، شماره ۲، صص ۳۵-۵۷.
- وحیدشاهی، کورش؛ صالحی عمران، ابراهیم و ولی‌پور خواجه‌قیاسی، رقیه. (۱۳۹۱). *مهارت‌های زندگی دانشجویان دانشگاه علوم‌پزشکی مازندران سال ۱۳۸۹*. مجله ایرانی آموزش در علوم‌پزشکی، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۹۳-۱۰۰.
- یغموری، سعید. (۱۳۸۸). *بررسی مهارت‌های اشتغال‌زای بازارکار در آموزش عالی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازنداران، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۸۰). *درآمدی به عملکرد سیستم‌های دانشگاهی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۹۱). *کیفیت در آموزش عالی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- یمنی، دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی توسعه دانشگاهی، نظریه‌ها و تجربه‌ها*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

Barrier, J. (2010). *La Science en Projets. Régimes de Financement ET Reconifications du Travail des Chercheurs Académiques. Le CAS des Sciences ET Technologies de l'Information ET de la Communication en France (1982–2006)*. PhD in Sociology, Sciences Po, Paris.

Bozkurt, T. (2014). Thoughts about implementation of positive psychology in education and emerging leadership roles of counselors in the process. *Cypriot Journal of Educational Sciences*, 9 (3), 194-202.

Bromage, A. (2006). *The Management of Planned Change: An Interdisciplinary Perspective*. In L. Hunt, A. Bromage & B. Tomkinson (Eds. ), *The Realities of Change in Higher Education: Interventions to Promote Learning and Teaching* (pp. 1-14). New York, NY: Routledge.

- Chan, Sh. J. & Lin, L. W. (2015). Massification of Higher Education in Taiwan: Shifting Pressure from Admission to Employment. *Higher Education Policy*, 28, 17–33.
- Chan, W. K. & Ngok, K. L. (2011). Accumulating human capital while increasing educational inequalities: a study on higher education policy in China. *Asian Pacific Journal of Education* 31(3), 293–310.
- Chapman, B & Doris, A. (2018). Modelling higher education financing reform for Ireland, *Economics of Education Review*, in press, corrected proof, Available online 19 June 2018.
- Chiang, C. H. (2013). Toward a universal higher education system: A case study of Taiwan. *Quality & Quantity*, 47(1), 411–420.
- Chou, C. P. (2012). Who benefits from the massification of Taiwan's higher education?—Editor's preface. *Chinese Education and Society*, 45 (5/6), 3–7.
- De Moor, R. A. (1979). *Changing Tertiary Education in Modern European Society*, Strasbourg: Council for Cultural Cooperation.
- Duffy, F. M. , & Reigeluth, C. M. (2010). The school system transformation protocol. In F. M. Duffy (Ed. ), *Dream! Create! Sustain! Mastering the art and science of transforming school systems* (pp. 199-215). Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Fajar, A, Nurcahyo, A & Septi. , (2018). Soa System Architecture For Interconnected Modern Higher Education In Indonesia, *Procedia Computer Science*, (135), 354-360.
- Gornitzka, A. , Kogan, M. , & Amaral, A. (Eds. ). (2005). *Reform and change in higher education: Analysing policy implementation*. Dordrecht: Springer.
- Guilbault, M. (2018). Students as customers in higher education: The (controversial) debate needs to end, *Journal of Retailing and Consumer Services*, Volume 40, Pages 295-298.
- Hanushek, E. , & Woessmann, L. (Eds. ). (2011). *Handbook of economics of education*. Amsterdam: North Holland.
- Institute for the 21st Century Education. (2005). *Report on Chinese education development (Chinese Version)*. Beijing: Social Sciences Academic Press (China).
- Jacob, W, Neubauer, D, Ye, Huiyuan. (2018). financing trends in Southeast Asia and Oceania: Meeting the demands of regional higher education growth, *International Journal of Educational Development*, 58, 47-63.
- Johnstone, D. B. , & Marcucci, P. N. (2011). *Financing higher education worldwide: Who pays? Who should pay?* Baltimore: The Johns Hopkins University.
- Jonnaert, P. h. , Ettayebi, M. , & Defise, R. (2010). *Curriculum și competențe: un cadru operational [Curriculum and competences: an operational framework]*. Ed. ASCR, Cluj-Napoca.
- Kashkooli, M. D. (2014). The structure of Persian emotion lexicon: A prototype approach. *Global Journal of Psychology Research*. 4 (1), 08-18.
- Knight, J. , Quheng, D. , & Shi, L. (2017). China's expansion of higher education: The labour market consequences of a supply shock. *China Economic Review*, 43,127-141.
- Kyui, N. (2016). Expansion of higher education, employment and wages: Evidence from the Russian Transition. *Labour Economics*, 39. 68–87.

- Kyvik, S. (2004). Structural changes in higher education systems in Western Europe. *Higher Education in Europe*, 29(3), 393–409.
- Maassen, P. , & Stensaker, B. (2010). The knowledge triangle, European higher education policy logics and policy implications. *Higher Education*, 61 (6), 757–769.
- Martin, B. R. (2003). The changing social contract for science and the evolution of the university. In: Geuna, A. , Salter, A. J. , Steinmueller, W. E. (Eds. ), *Science and Innovation Rethinking the Rationales for Public Funding*. Edward Elgar, Cheltenham, UK.
- Martini, M. , & Fabbris, L. (2017). Beyond Employment Rate: A Multidimensional Indicator of Higher Education Effectiveness. *Social Indicators Research*, 130 (1), 351-370.
- Massyrova, R. , Tautenbaeva, A. , Tussupova, A. , Zhalalova, A. , & Bissenbayeva, Zh. (2015). Changes in the Higher Education System of Kazakhstan. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 185, 49 – 53.
- Meek, V. L. , Goedegebuure, L. , Kivinen, O. & Rinne, R. (eds. ) (1996). *The Mockers and Mocked: Comparative Perspectives on Differentiation, Convergence and Diversity in Higher Education*. Oxford: Pergamon.
- Mendiola Alvarez, G. (2011). El fin de la bonanza. La educación superior privada en México en la primera década Del siglo XXI (The end of abundance. Private higher education in Mexico in the first decade of the 21st century). *Reencuentro (Reunion)*, 60, 10-29. Mexico: Universidad Autónoma Metropolitana – Xochimilco (Autonomous Metropolitan University, Xochimilco Campus).
- Minelli, E. , Reborá, G. , & Turri, M. (2012). Waiting for the Market: Where is the Italian, University System Heading? *Higher Education Policy*, 25 (1), 131–145.
- Moreland, N. (2004). Work-Related Learning in Higher Education. ESECT Research Fellow, FEBRUARY 2004 (SERIES 1).
- Musselin, Ch. , & Teixeira, P. N. (2014). *Reforming Higher Education Public Policy Design and Implementation*. Springer is part of Springer Science+Business Media (www.springer.com).
- Mycos. (2005, 2008). Report of Mycos: Graduate employment in China. www.mycos.com.cn.
- Neave, G. (2009). Institutional Autonomy 2010–2020. A tale of Elan – Two steps back to make one very large leap forward. In B. Kehm, J. Huisman, & B. Stensaker (Eds. ), *Mapping the future of the European higher education area: Perspectives on a moving target* (pp. 3–22). Rotterdam: Sense Publishers.
- Sá-Chaves, I. (2007). A qualidade da escola somos nós. In I. Sá-Chaves, (Org. ). *Formação, Conhecimento e Supervisão: Contributos nas Áreas da Formação de Professores e de Outros Profissionais* (pp. 21–30). Aveiro: Universidade de Aveiro.
- Schiller, D. , & Liefner, I. (2007). Higher education funding reform and university–industry links in developing countries: The case of Thailand, *High Educ*, 54, 543–556.
- Shi, X. , & Ma, Y. (2014). The role of research universities in national innovation system in China. In Y. CAI & J. Kivistö (Eds. ), *Transformation of higher*



- education in innovation systems in China and Finland (pp. 167–187). Tampere: Tampere University Press.
- Shin, J. , & Harman, G. (2009). New challenges for higher education: Asia-Pacific and global perspectives. *Asia Pacific Education Review*, 10 (1), 1–13.
- Shin, J. , & Kim, H. (2013). Tuition rising in competitions for a world-class university: Cost sharing or cost transfer? *Asia Pacific. Journal of Educational Development*, 2 (2), 1–11.
- Silva, p. , Lopes, B. , Costa, M. , Seabra, D. , & I. Melo, A. , Brito, E. , & Paiva Dias, G. (2016). Stairway to employment? Internships in higher education. *Higher education*, 72 (6). 703- 721.
- Suleman, F. (2016). Employability skills of higher education graduates: Little consensus on a much-discussed subject. 2nd International Conference on Higher Education Advances, HEAd'16, 21-23 June 2016, Available online at [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).
- Sun, W. (2011). A research on the education of university students' view of employment under the situation of popularization of higher education (Chinese Version). Shanghai: East China Normal University, Master's Dissertation of 2011 School Code 10269, Univ. ID. 51082. 965062 (p. 18).
- Szücs, F (2018). Research subsidies, industry–university cooperation and innovation, *Research Policy*, Volume 47, Issue 7, Pages 1256-1266.
- Teichler, U. (2009). Higher education and the world of work: Conceptual frameworks, comparative perspectives, empirical findings. Rotterdam/Taipei: Sense Publishers.
- Teichler, Ulrich. (2006). Changing Structures of the Higher Education Systems: The Increasing Complexity of Underlying Forces, *Higher Education Policy*, 19, (447–461).
- Teichler, Ulrich. (2015). Higher Education and the World of Work: The Perennial Controversial Debate, *Mass Higher Education Development in East Asia*, Springer International Publishing Switzerland 2015.
- Teixeira, P. & Dill, D. (2011). Introduction – The many faces of marketization in higher education. In P.
- Wang, S. & Huang, H. (2011). College graduate employment: Global problem and Chinese solution. In X. Shi & J. Yan (Eds), *Higher education in globalist knowledge economy* (pp. 99, 250–257). Beijing: Peking University Press.
- Wang, T. (2012). A Study on Structural Unemployment among University Graduates and Responsive Policies in China — an Employability Perspective. Beijing: China University of Political Science and Law Press.
- Watanabe, R. , & Keeres j. p. (2004). *Vocational Education and Training Asia*, kluwer, Academic publishers, India.
- Woo Lee, K. & Chung, M. (2015). Enhancing the link between higher education and employment. *International Journal of Educational Development*, 40, 19 –27.
- Xing, C, Yang, P. , & Li, Z. (2018). The medium-run effect of China's higher education expansion on the unemployment of college graduates, *China Economic Review*, Volume 51, Pages 181-193.

- Yang, L. (2018). Higher education expansion and post-college unemployment: Understanding the roles of fields of study in China, *International Journal of Educational Development*, 62, 62-74.
- Yang, S. , S. , (2012). Discussion: the achievement and tasks of Lee, Myung-bak regime's higher education policy. Diagnose and future tasks of Korean higher education policy. Article presented at the spring conference of Korean higher education policy society.
- Yao, y. (2018). Does higher education expansion enhance productivity? *Journal of Macroeconomics*, 59, 169-194.
- Yeşilorman, M. , (2014). Sociology, Politics and Education in a Triangular Geometry of Political Education. *Global Journal of Sociology*, 4(1), 28-32.

